مدیریت شهری
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015
۲۴۱-۲۷۲
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۴ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۱۲/۲۲

سنخیت شناسی همسویگی معنادار روشهای ارزیابی قرارگاه های رفتاری و بازطراحی مبلمان و فضاهای شهری

نفیسه گلستانی*- دانشجوی دکتری معماری، گروه هنر و معماری، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.
محبوبه روشن- دانشجوی کارشناسی ارشد گروه هنر و معماری، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.
مهدی شیبانی - عضو هیات علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران.

چکیده
امروزه درنظرگیری تعامل فیمابین «کالبد، فعالیت و معنا» که دارای پیوستاری و همسویگی معناداری با نحوه و چگونگی کاربست فضاهای شهر بوسیله شهروندان است، از مهمترین پارادایم های مفهومی و رهیافتهای نظری به «بازطراحی فضاهای شهری» بوده است که لازم است در حوزه برنامه ریزی و مدیریت شهری موردنظر معماران و طراحان شهر قرار گیرد. از سوی دیگر، دستیابی به روشهای ارزیابی رفتار شهروندان برای بازطراحی دوباره فضاهای شهری نیز می تواند ضمن کمک به طراحی محیط هایی پاسخده، از عدم بکارگیری فضا بوسیله شهروندان و تولید فضاهای غیرسرزنده و ناکارآمد جلوگیری بعمل آورد که التزام و ضرورت تحقیق حاضر را تشکیل داده است. در مقاله حاضر، به سنخیت شناسی انواع روشهای ارزیابی رفتارها و قرارگاه های رفتاری و میزان انطباق آنها با بازطراحی دوباره فضا خاصه در ایران پرداخته شده است که از روش توصیفی- تحلیلی و استدلال مبتنی بر منطق و روشهای اسنادی بهره برده است. لذا در پایان ضمن اشاره به معیارهای بازطراحی دوباره مبلمان و فضاهای شهری ایران در دوره معاصر به مجموعه معیارهایی اشاره شده و میزان سنخیت این روشها با بازطراحی و ارزش گذاری هر یک به اختصار مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.
واژگان کلیدی: قرارگاه رفتاری، رفتار و فعالیت شهری، مبلمان و فضاهای شهری، ارزیابی رفتار و قرارگاه رفتاری.

Significant similarity between behavior-place and method of urban behavior evaluation for redesign of urban spaces and furniture

Abstract
Today, in terms of interaction between physical activity and meaning to have a significant continuum of how spaces are used by citizens is the concept of paradigms and theoretical approaches to design of urban spaces. It is necessary in the field of urban planning and management of the city's architects and designers. On the other hand, access to the redesigned, re-evaluation procedures for citizens of urban areas can also contribute to the design of responsive environments, the lack of space use by citizens and non-animated production spaces and prevent inefficient. In this paper, the origin of the types of behavior and behavioral bases of their compliance with the properties of space has been redesigned again. The analytic and argument based on logic and documentation methods employed. In the end, pointing to the open standards and urban spaces in contemporary furniture design again to set the criteria mentioned and the origin of these methods to the design of each is briefly analyzed.
Keywords: behavior-place, behavior and urban activities, furniture and urban spaces, assessment and treatment of behavior-place.

*نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۳۶۷۳۹۰۱۰۶، رایانامه: n.golestani668@yahoo.co.uk

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

۱. مقدمه

رفتـار انسـانی برآینـدی از انگیزه‌هـا و نیازهـای فـرد، قابلیـت محیـط، تصویـر ذهنـی ناشـی از ادراک او از دنیـای خـارج و معنایـی کـه این تصویـر بـرای او دارد، مـی باشـد؛ بنابرایـن هر رفتـار تحت تاثیر شـرایط فوق می توانـد اشـکال مختلفـی به خـود بگیـرد و رفتارهای متنوعـی را باعـث شـود. «رفتـار» تنها تابـع «فعالیت» نیسـت؛ بلکـه ترکیبـی از: «۱. فعالیـت، ۲. زمـان و ۳. محیـط»[1] اسـت. انسـان همـواره در تعامـل بـا محیطی اسـت کـه خـود جزیـی از آن به شـمار مـی رود. رفتـار اجتماعـی نیازمنـد بسـتری بـرای روی‌دادن اسـت، بنابرایـن رابطـه انسـان و «محیـط» بـه صـورت یـک رابطـه «رفـت و برگشـتی و تعاملـی» موردنظـر اسـت. موضـوع علم «طراحی شـهری» خلـق فضاهای عمومی با کیفیت در سـطح شـهر می باشـد، آن جا کـه زندگی عمومـی افـراد در جریان اسـت و در خیابـان و میدان و پـارک و غیره، مـردم با ویژگیهـا و کیفیت های مطلوب و نامطلـوب آن در تمـاس مسـتقیم قـرار مـی گیرند. از سـویی، از آنجـا کـه رفتـار در رابطـه با محیط شـکل می گیـرد، بـه شـدت تحت تاثیـر «فرهنـگ و اجتماع» مـی باشـد و پیوسـته معلـولِ علتـی «اجتماعـی و فرهنگـی» اسـت. محیط می توانـد خاسـتگاه «ادراک، بازشناسـی و اثرگـذاری و رفتـار فضایـی» باشـد، گروه‌هـای مختلـف اسـتفاده-کننده از فضـای شـهر دارای نیازهـا و الگوهـای رفتـاری و بسترسـاز «قـرارگاه هـای رفتاری» مختلفی هسـتند. بخشـی از ایـن نیازها معطـوف به نیازهـای مختلف و متعدد انسـانی اسـت و بخشـی دیگـر بـه ویژگی هـای کالبـدی و نقـش فضای مـورد اسـتفاده در شـهر مربـوط مـی شـود. همچنیـن برخـی از الگوهـای رفتـاری بـه نیازهـای دسـته هـای مختلـف اسـتفاده کننده از فضـا بسـتگی دارد و برخـی از ایـن الگوهـا تابـع فرهنـگ و بسـتر فرهنگـی جامعه مـی باشـد. بنابرایـن نحـوه برقـراری این رابطـه تعاملی بسـتگی زیـادی بـه چهـار عامـل دارد کـه عبارتنـد از: ویژگی هـای کالبـدی فضـای مـورد اسـتفاده، نیازهای انسـانی بـه طـور عـام، نیازهـای مخاطبیـن و اسـتفاده کننـدگان خـاص آن فضـا و در نهایت الگوهـای رفتاری و بسـتر فرهنگـی جامعـه.

از آنجـا که در شـرایط امروزی شـهرها فضاهای عمومی آن معـرف هویت و شـخصیت و میـزان رونق و جذابیت یک شـهر هسـتند، در صحنه رقابت شـهرهای مختلف بـه لحـاظ جـذب سـرمایه‌ها، جـذب نیـروی انسـانی، ارتقاء رفتارهای مناسـب و شـکلگیری مـکان رفتارهای سـازنده از مهـم تریـن امـور اسـت. تغییـر شـرایط در جوامـع شـهری، توسـط تغییـرات اخیـر در الگوهـای زندگـی بهتـر و واضحتـر مـی توانـد توضیح داده شـود. در نتیجـه توجـه به آسـایش و برآورده کـردن نیاز گروه هـای مختلف اسـتفاده کننده از فضا یکـی از معیارهای اساسـی در جهـت ایجـاد مطلوبیـت فضایـی، افزایـش کیفیـت و میـزان رضایت‌مندی شـهروندان می باشـد. از طریـق رواج دادن برخـی رفتارها یا کاسـتن از برخی رفتارهـا در فضـا مـی تـوان احسـاس خاصـی در افـراد ایجـاد کـرد؛ به طوریکه کیفیـت ویژه‌ای از فضـا ادراک کنـد. در واقـع آشـنایی طراحـان شـهری با دانشـهایی همچـون علـوم رفتـاری و روانشناسـی محیطـی مـی توانـد ایـن امـکان را بـرای طراحـان فراهـم کنـد تـا منطبـق بـر نیـاز و فرهنـگ اسـتفاده کنندگان، فضاهـا را طراحـی کننـد و بـر ایـن اسـاس شـرایط لازم بـرای زندگـی مطلوب بـرای کاربران شـهری از فضاهـا فراهم آید. امروزه در سرتاسـر دنیا مراکز شـهری سـواره محور بـه سیسـتم پیـاده راه هـا تبدیل شـده انـد؛ زندگی در فضاهـای عمومـی چه نزدیک و چـه دور از فعالیت های تجـاری، بـه طـور برجسـته ای افزایـش یافتـه اسـت و زندگـی شـهری کامـلاً تفریحـی و اجتماعـی نیز رشـد یافتـه اسـت. در حال حاضـر تمایل و گرایش به سـمت هرچه بیشـتر توسـعه یافتن زندگی در فضاهای شهری

۱. در این رابطه، کورت کافکا (۱۹۳۵)، بین مُحیط جغرافیایی و مُحیط رفتاری تمایز قایل می شود، چنانچه مُحیط جغرافیایی را مُحیط عینی و واقعیتهای اطراف انسان می داند، و مُحیط رفتاری را تصویرشناختی مُحیط عینی ارزیابی می کند که اساس رفتار انسان را شکل می دهد. علاوه بر این «داگلاس پورتیوس» (۱۹۷۷) مُحیط مفهومی را مطرح می کند که آن را به مفاهیم مُحیط پدیده ای (جغرافیایی) و شخصی (رفتاری) می افزاید (مرتضوی، ۱۳۶۷، ص ۷).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

است، چراکه در حال حاضر تمایلات اجتماعی به سمت استفاده از فضای عمومی است. در این راستا نقش مبلمان شهری در فراهم نمودن امکانات زندگی و حضور افراد در فضاهای شهری می تواند بسیار کلیدی و پر اهمیت باشد.

این پژوهش در پی آن است که با توجه به الگوهای رفتاری، تراکم رفتاری، آسیب شناسی رفتارها و دسته بندی این الگوها به طور عام به نیازهای رفتاری و دریافت معانی رفتاری در طراحی مبلمان های شهری از یک طرف، و میزان انطباق روشهای ارزیابی قرارگاه های رفتاری با بازطراحی این فضاها برسد و همچنین شناسایی عواملی از محیط کالبدی که به الگوهای رفتاری شکل و یا تحت تاثیر قرار می دهند از طریق دخالت در طراحی و ویژگی های کالبدی- فضایی محیط و همچنین بر اساس الگوهای کیفیت بخشی به فضا معیارهایی برای ایجاد محیطی با کیفیت و کارآمد ارائه دهد که به عنوان بخشی از راهنمای طراحی مبلمان شهری در این زمینه قابل ارجاع و استناد باشد. لذا در ابتدا ضمن اشاره به مفهوم روانشناسی محیطی و برخی مفاهیم مرتبط، به مفهوم قرارگاه های رفتاری اشاره شده و در پایان نیز میزان انطباق این روشها با مقتضیات بازطراحی مورد اشاره قرار داده می شود.

مواد و روشها

روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی- تحلیلی با بهره گیری از روش اسنادی است. تحقیق حاضر بنا به ماهیت از نوع کاربردی است و صرفا در نظر دارد تا ضمن سنخیت شناسی مجموعه روشهای ارزیابی رفتاری با بازطراحی فضایی، به مجموعه معیارهای بازطراحی در حوزه مبلمان شهری دست یابد. از طرف دیگر، از روش فراتحلیل در بررسی تحقیقات پیشین نیز بهره گرفته که ابزار گردآوری داده های آن نیز مطالعات کتابخانه و منابع لاتین و اینترنتی در این زمینه بوده است.

مبانی نظری

امروزه فضاهای شهری در رابطه با رفتارهای استفاده کنندگان از آن فضاها بررسی می‌گردد. هر «فعالیتی» که توسط انسان صورت می‌گیرد، اساساً متکی به «فرهنگ» است و فرهنگ نتیجه مقررات نامدون (عرف)، عادات، آداب و رسوم، سنتها، سبکها و شیوه‌های متداول زندگی است. معماری و شهرسازی با فضاهایی سروکار دارند که انواع فعالیتها در چارچوبهای متفاوت در آنها اتفاق می افتد و در حقیقت به این فضاها معنی و مفهوم می‌دهند. این فعالیتها، تابع خصوصیات فرهنگ جامعه‌ای است که صاحبان این فعالیتها به آنها تعلق دارند.

فرهنگ، «الگوهای رفتاری» را بوجود می‌آورد و درنتیجه این الگوهای رفتاری تعیین کننده چگونگی استفاده مردم از فضاها می‌شوند. بنابراین نحوه استفاده مردم از فضا براساس فرهنگ می‌باشد؛ به‌عنوان مثال در هندوستان خیابان معجونی از فعالیتهای متعدد و متنوع است که درنتیجه انواع بو، صدا و مناظر عجیب و غریب درهم بافته شده‌اند؛ درحالیکه در جوامع غربی پیاده روی و پرسه زدن در خیابانها عملی ناپسند محسوب می‌شود و حتی در برخی از ساعات شبانه روز نه تنها خوشآیند نیست



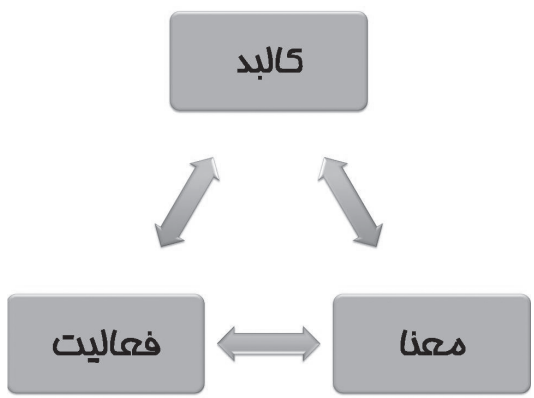
نمودار ۱. رابطه فرهنگ، الگوی رفتاری و نحوه استفاده از فضا؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان بر اساس بحرینی، ۱۳۸۴، ص ۳.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



نمودار ۲. مولفه های تشکیل دهنده فضا از دیدگاه کانتر (در کالبد بر اساس تصورات فعالیتها شکل می گیرد که یاداور الگوهای رفتاری و بسترساز شکل گیری قرارگاه های رفتاری است)؛ ماخذ: نگارندگان بنقل از: گلکار، ۱۳۸۰.

بلکـه خطـر جانـی نیـز دارد (بحرینـی، ۱۳۸۴، ص ۳). نکتـه مهـم این اسـت که مسـایل حیطه «روانشناسـی محیطـی و مقولـه قـرارگاه هـای رفتاری» در دو دسـته عمـده مطـرح می شـوند و بنابرایـن بـا دو رویکـرد بـه بررسـی ماهـوی این مفاهیـم می توان پرداخـت: الف- شـناخت ماهیت محیـط، رفتار انسـان و رابطه الگوهای رفتـار و محیط ساخته شـده (رویکـرد محتوایی)؛ و ب- جایـگاه و مولفه هـای اثرگذار علـوم رفتـاری در فرآیند طراحـی (رویکـرد رویه ای).



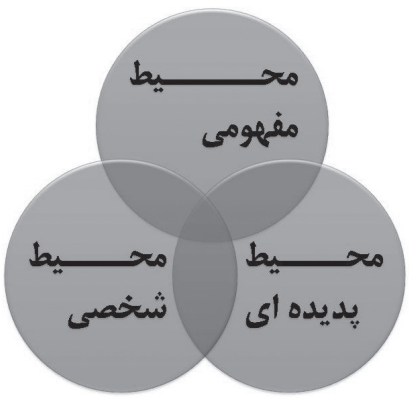
نمودار ۳. مدل حس مکان رلف کانتر؛ همسویگی ارتباط کالبد، فعالیت و معنا در محیط؛ ماخذ: نگارندگان.

رفتار و قرارگاه رفتاری

«محیـط» شـامل مجموعـــــه ای از «قرارگاه هـای رفتـاری» اسـت کـه درون یکدیگر قـرار گرفته انـد و با هـم، فصول مشـترک دارند. ایـن قرارگاه-هـای رفتاری دارای دو عنصـر اساسـی اند:

۱. یک «الگوی شاخص رفتار» و

۲. یـک «محیـط فیزیکـی». محیط فیزیکی سـاختاری کالبـدی اسـت مرکـب از سـطوح مرتبـط بـه هـم و متشـکل در الگوهـای خـاص کـه فضاهـای بـاز و سـبز، سـاختمان ها، اتـاق و چیدمـان فضـا را تشـکیل می دهنـد. ایـن سـطوح از مـواد، بافتهـا، و رنگدانه های مختلـف ترکیـب شـده اند و بـه طـرق مختلفی روشـن می شـوند.



تصویر ۴. انواع مُحیط از دیدگاه داگلاس پورتیوس (۱۹۷۷)؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان بر اساس مرتضوی، ۱۳۶۷.

اولیـن بـار، «مـدار رفتـار» بـه عنـوان واحـدی بـرای سـنجش و تحلیـل فضاهـای معمـاری توسـط «بارکر» مطـرح شـد. «قـرارگاه یـا مـکان رفتـاری» ترکیبـی از فعالیـت و مـکان اسـت کـه دارای اجـزای زیـر اسـت:

۱. فعالیتـی قابـل تکـرار و ارتجاعـی (الگـوی جـاری رفتـار)؛

۲. طرح خاصی از محیط (محیط کالبدی)؛

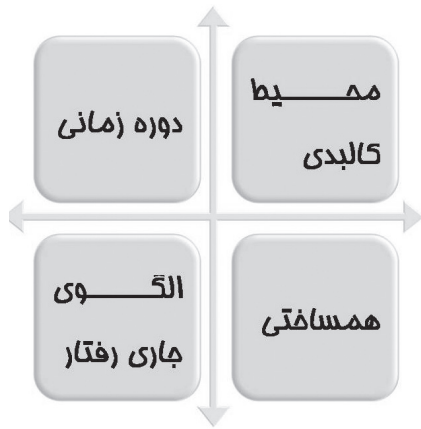
۳. رابطه ای سازگار بین این دو (همساختی)؛ و

۴. دوره زمانی خاص.

اگـر یک الگوی جاری رفتـاری در یک مکان کالبدی در

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

زمانهـای مختلـف بروز کنـد، آن مـکان می تواند جزیی از یـک یـا چنـد قـرارگاه رفتـاری باشـد. یـک قـرارگاه رفتـاری می تواند نیازهـای یک فـرد را (از ابتدایی ترین تـا پیچیده تریـن) بـرآورده کنـد. هـر قـرارگاه رفتـاری می توانـد یـک حریـم داشـته باشـد کـه رفتـار در آن مسـتقر می شـود. مشـکل حریـم وقتـی بـروز می کند کـه فعالیتهایـی کـه نیـاز بـه تفکیـک دارنـد به خوبـی تفکیـک نشـوند. قـرارگاه رفتـاری یـا مـکان- رفتـار را می تـوان واحـد اجتماعـی کوچکـی بشـمار آورد کـه از آمیـزش یـک «فعالیـت» و یـک «مـکان» بوجـود مـی آیـد و عرصـه‌ای بـرای بـروز عملکردهـای آن محیـط شـهری بـه حسـاب می آیـد.



نمودار ۵. مولفه های قرارگاه های رفتاری از دیدگاه بارکِر؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان.

«نظریـه سـطح اشـباع منابع انسـانی» یکـی از مفاهیم کلیـدی در نظریه مـکان- رفتار یا همـان «قرارگاه های رفتـاری» اسـت. بـه دلایـل مختلفی یـک مـکان رفتار ممکـن اسـت تعـداد کـم یـا زیـادی از افـرادی را کـه متمایـل بـه فعالیـت هسـتند را به خـود جـذب نماید. وقتـی کـه افـراد زیـادی در پیرامـون موضـوع کار حضـور دارنـد و مـکان رفتـار از یافتن راهی بـرای ورود افـراد بیشـتر ناتـوان اسـت، پدیده اشـباع بـالای منابع انسـانی رخ می‌دهـد. از سـوی دیگـر، وقتـی کـه افـراد کمـی جـذب فعالیـت می‌شـوند، پدیـده فقدان اشـباع منابـع انسـانی رخ می‌دهـد (ویکـر، ۱۹۸۶)؛ بنابرایـن مکان‌هـای رفتـاری، موجودیت ایسـتایی ندارند و در هر دو حالـت «فرااشـباع و فقـدان اشـباع»، کارایی مطلوب از دسـت مـی‌رود. همچنیـن بایـد گفـت کـه کیفیـت محیـط و فضاهای شـهری از موضوعاتـی مهم در دانش طراحـی شـهری و معماری اسـت که «ارزیابـی ادراکی[1] و رفتـاری شـهروندان و انگاشـتهای ذهنی و بـروز رفتار آنهـا در محیـط»، اهمیتـی اساسـی دارد؛ چنانچـه لازم اسـت تا بـه مطالبی اشـاره شـود:

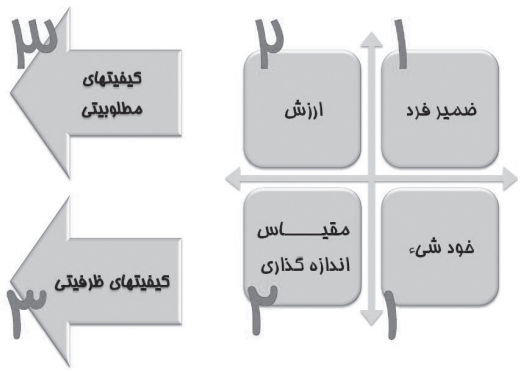
۱. اولاً؛ طراحی شـهری دانشـی است که به ساماندهی و ارتقـای کیفیّـت مُحیطی عرصه های همگانی (شـهری) می پـردازد. پرداختـن بـه سـاماندهی و ارتقـای کیفیّت مُحیطـی در فراینـدی به انجام می رسـد کـه مفاهیمی چـون نمایانگرهـا و هنجارهـای کیفی پاسـخ دهندگی مُحیطـی معنی دار می شـوند. این هنجارهـا بر ویژگیها یـا حـال و هوایـی دلالـت می کنند کـه معیـار، مبین و شـاخص پاسـخ دهندگی مُحیط هستند.

۲. دومـاً؛ کیفیّـت یـک شـیئی درجـه و میـزان برتری،

۱. «فرآیند ادراکی» دنباله‌ای از مراحل است که از محیط شروع می‌شود و به درک ما از یک محرک و اقدام واکنشی نسبت به آن محرک می‌انجامد. این فرایند در موارد زیر خلاصه می شود: «۱. محرک محیطی: دنیا پر است از محرک‌هایی که از طریق حواس مختلف می‌توانند توجه ما را جلب کنند. محرک محیطی هر چیزی در محیط ماست که قابلیت درک شدن داشته باشد.، ۲. «محرک مورد توجه»: محرک مورد توجه، شیء بخصوصی در محیط است که توجه ما بر روی آن متمرکز شده است.، ۳. «تصویر بر روی شبکیه»: سپس، محرک مورد توجه به صورت یک تصویر بر روی شبکیه شکل می‌گیرد. اغلب افراد از این موضوع آگاهی دارند که تصویر روی شبکیه در واقع وارونه تصویر واقعی است، ۴. «تبدیل»: تصویر روی شبکیه سپس به سیگنال‌های الکتریکی تغییر شکل می‌یابد. این فرایند را تبدیل می‌نامند. این کار باعث می‌شود که پیام‌های دیداری جهت تفسیر به مغز ارسال شوند.، ۵. «پردازش عصبی»: آنگاه سیگنال‌های الکتریکی تحت پردازش عصبی قرار می‌گیرند. ۶. «ادراک»: در مرحله بعد از فرایند ادراک، ما شیء محرک در محیط را به طور واقعی درک می‌کنیم. در این مرحله است که ما به طور هشیارانه از آن محرک آگاهی می‌یابیم. ۷. «بازشناسی و شناخت»: ادراک فقط مستلزم آگاهی هشیارانه از محرک‌ها نیست. علاوه بر آن مغز ما باید آنچه حس کرده‌ایم را رده‌بندی و تفسیر کند. مرحله بعد عبارت است از تفسیر و معنابخشیدن به یک شیء که به آن بازشناسی یا شناخت گفته می‌شود.، اقدام: مرحله نهایی در فرایند ادراکی مستلزم نوعی اقدام و عمل در واکنش به محرک محیطی است. این اقدام می‌تواند صورت‌های گوناگونی داشته باشد، مثلاً برگرداندن سر برای نگاه نزدیک‌تر و یا چرخیدن و نگاه کردن به یک چیز دیگر.»

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

مشابهت یا فروتری آن نسبت به اشیاء دیگر است که توسط انسان از طریق ذهنی و عینی به عنوان مجموعه ویژگیهای آن شیئی درک و محسوب می گردد. کیفیّت یک شیئی از دو منبع «ضمیر»[1] فرد و خود «شیئی[2]» نشات می یابد که به ترتیب آنها را «ارزش[3]» و «مقیاس اندازه گیری»[4] نامیده، بیانگر دو گروه «کیفیّتهای مطلوبیتی»[5] و «کیفیّتهای ظرفیتی»[6] اشیاء هستند. این مهم نقشی اساسی در بروز رفتار و شکلگیری قرارگاه های رفتاری داشته و بر نحوه استفاده از فضاهای شهری تاثیرگذار خواهد بود.



نمودار ۶. بنیان های کیفی محیط و زمینه های ادراکی و ذهنی در بروز رفتار و الگوهای رفتاری؛ ماخذ: نگارندگان.

تعامل فضای شهری و رفتار شهروندی

در این بخش به تعریف عملیاتی متغیرهای دخیل در موضوع به اختصار پرداخته می شود.

۱. **«انگیزه»**: انگیزه نیروی هدایتگر رفتار است. رفتارها در جهت ارضای نیازهای انسانی شکل می گیرند. نیازهای مشترک شناخته شده در انسان دامنه وسیعی از جمله نیازهای فیزیولوژیکی، نیازهای زیستی یا نیازهای اجتماعی و اکتسابی را در برمی گیرند. نیازها از هر دسته و گروهی که باشند سبب افزایش تنش یا انرژی درونی فرد می شوند و در حقیقت ایجاد انگیزه می کنند.

۲. «نیاز»: هر فرد دارای تعدادی نیازهای ذاتی است که فعال کننده و هدایت کننده رفتار اوست. این نیازها غریزی هستند یعنی ما با آنها به دنیا می آییم اما رفتارهایی که ما برای ارضا این نیازها به کار می بریم ذاتی نیستند، بلکه آموختنی بوده و بنابراین افراد مختلف ممکن است در نحوه ارضای انگیزه ها تفاوت های زیادی پیدا کنند (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۳۴).

۳. **«اِدراک»**: «تجربه حسی ما از دنیای پیرامون‌مان و مستلزم بازشناسی و شناخت مُحرّک های مُحیطی و نیز اقدامات واکنشی به این مُحرّک‌هاست.» ما از طریق فرایند اِدراکی، درباره عناصر مُحیطی که برای بقای ما جنبه حیاتی دارند، اطلاعات به دست می‌آوریم. اِدراک نه تنها تشکیل دهنده تجربه ازدنیای پیرامونمان است بلکه به ما اجازه می‌دهد که درون مُحیطمان به فعالیت و عمل بپردازیم.

۴. **«سلسله مراتب نیازهای انسانی»**: برای تعریف نیازهای انسانی مدل های زیادی تدوین شده است که از بین آنها مدل «مقیاس احساسات اصلی در رقابت» الکساندر لیتون و «مدل سلسله مراتب نیازهای انسانی» آبراهام مازلو مورد استفاده طراحان محیطی قرار می گیرد. مدل نیازهای «الکساندر لیتون» وسیله مناسبی برای درک ماهیت محیط ساخته شده در عین احترام به انسان است. این نیازها عبارتند از: امنیت فیزیکی، ابراز دشمنی، ابراز عشق، حفظ علایق شخصی، شناسایی شدن، بیان خودانگیختگی، تشخیص جایگاه خود و دیگران در جامعه، حفظ و مراقبت از عضویت گروهی معین، تعلق به یک نظم معنوی. اشکال این مدل عدم وجود دسته بندی و نظم مشخص و پیچیدگی نیازهاست. آبراهام مازلو سلسله مراتبی از نیازها از قوی ترین

1. ego
2. object
3. value
4. measure
5. qualities of desirability
6.qualities of capacity

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

تـا ضعیف تریـن پیشـنهاد کرده اسـت. سلسـله مراتب پیشـنهادی او به ترتیب زیر اسـت: نیازهای فیزیولوژیک مانند گرسـنگی و تشـنگی؛ نیازهای ایمنی مثل امنیت و محافظـت در مقابل صدمات؛ نیازهای تعلق و دوسـت داشـتن مثـل عضویـت در گروه هـای اجتماعـی و نیاز عاطفـی؛ نیـاز بـه قـدر یعنی فـرد نـزد خـود و دیگران دارای ارزش بالایـی باشـد؛ نیـاز بـه خود شـکوفایی که بیانگـر میـل بـه ارضـای ظرفیـت هـای فـردی اسـت؛ نیازهـای شـناختی و زیبـا شـناختی ماننـد میـل بـه دانسـتن و تمایـل بـه زیبایـی بـرای زیبایی.

۵. «**فعالیـت**»: از آنجـا کـه نیـاز یک مفهوم انگیزشـی دارد، مسـتلزم حرکت یـا حرکات خاصی بـرای برآورده شـدن آن نیـاز اسـت. بـه تمامـی افعـال انسـانی کـه در راسـتای بـرآوردن یکـی از نیازهـای او انجـام مـی گیرنـد، فعالیـت گفتـه مـی شـود. علی رغم تنـوع زیاد رفتارهـای انسـانی مـی توان آنهـا را از طریق تشـابه در جنبـه فیزیکـی آنهـا یـا اشـتراک در بـرآوردن نیـاز، در دسـته هـای کوچکتـری بـا نـام فعالیـت طبقـه بنـدی کـرد (پاکـزاد، ۱۳۸۵، ص ۴۱). همان طـور کـه قبـلاً نیـز بیـان شـد، فعالیتها بـر اسـاس «۱. جبـری و یا ۲. اختیـاری بـودن» بـه سـه دسـته تقسـیم مـی شـوند: «فعالیتهـای ضـروری»: فعالیتهایـی که حالـت اجباری داشـته و شـامل فعالیت-هـای عمومـی مـردم از قبیل حرکـت بـه سـمت محـل کار و یـا خریـد مایحتـاج می باشـد. «فعالیتهـای انتخابـی»: جـزو نیازهـای اولیه انسـان نبـوده و از ایـن رو تنهـا در صـورت مهیـا بـودن زمینـه لازم انجـام می پذیرند. از قبیـل تفریح و گردش. «فعالیتهـای اجتماعـی»: شـکل گیری ایـن فعالیتها به واسـطه حضـور افـراد در فضاسـت. هماننـد فعالیـت هـای نمایشـی، مراسـم عـزاداری، تظاهـرات، مراسـم چهارشـنبه سـوری؛ همچنیـن می تـوان فعالیتهـا را به دو دسـته فعالیت هـای فـردی و فعالیـت هـای جمعی نیـز تقسـیم بندی کـرد.

۶. «**رفتـار**»: به هر حرکـت یا حرکاتی که در راسـتای برآورده کـردن یـک نیـاز صـورت پذیـرد، «فعالیـت» می گوینـد؛ ماننـد خـوردن در راسـتای رفـع نیـاز گرسـنگی و به نحـوه انجام این فعالیـت «رفتار» اطلاق مـی شـود، مانند خوردن با دسـت یا قاشـق. این سـاده تریـن تعریـف از رفتـار مـی باشـد که ممکن اسـت این خطـا را ایجـاد کند که چون سرمنشـاء رفتار نیاز اسـت و همـه انسـانها دارای نیازهـای مشـترک هسـتند، پس رفتارهـای مشـابهی را انتظـار داریـم. در صورتی کـه آنچـه در عمـل رخ مـی دهـد دسـته وسـیع و متنوعی از رفتارهاسـت. در واقـع رفتـار انسـان تحـت تاثیـر مجموعـه ای از عوامـل مختلـف و متفاوت قـرار دارد که چگونگـی و نحـوه انجـام فعالیت یعنـی همـان رفتار را تعییـن می کنند. «رفتار انسـانی» فرایندی اسـت تحت تاثیـر ویژگـی هـای انسـانی و عوامل مختلـف محیطی. در واقـع محیـط می تواند خاسـتگاه ادراک، بازشناسـی و اثرگـذاری و رفتـار فضایی باشـد. الگوهـای ذهنی که متاثـر از نیازهـا و انگیـزه هـا هسـتند بر فراینـد ادراک تاثیـر مـی گذارند و رفتـار فضایی خاصـی را ایجاب می کننـد کـه این رفتـار خود منجر بـه تشـکیل الگوهای ذهنـی فـردی و جمعـی مـی شـود. نمـودار ۸ نیـز بـه بیانـی دیگـر فراینـد ارتبـاط دوسـویه رفتـار و محیط و عوامـل دخیـل در آن را تشـریح مـی کند[1].

۱. فرآیندهای اِدراکی منطقی از فضاهای شهری بر اساس آرای واتسون – گلیزر عبارتند از: اِستنبـاط: استنباط نتیجه ای است که فرد ازپدیده های به وقوع پیوسته به دست می آورد. استنباط توانایی تشخیـص داده های درست از نادرست از میـان اطلاعات داده شده می باشد (واتسون و گلیـزر ،۱۹۸۰، ص۳۲). ۲- شناسایی مفروضـات: مفـروض عبارتی است که از پیش درنظـرگرفتـه می شود، بدیهـی فـرض شده و یا بـرای پذیرفتـه شـدن پیشنهاد می گردد. شنـاسایی مفروضـات در حـقیقت تـوانایی تشخـیص مـفروضات پیشنـهـادی از عبارات بیانـی می باشد (واتسـون و گلیـزر، ۱۹۸۰، ص ۴۴). ۳- استنـتـاج: در استنتاج از مقدماتی منطقی نتیجه و یا نتایجی گرفته می شود. در استنتاج پیش داوریهای ذهنی نبایستی بر قضاوت و نتیجه گیری تأثیر بگذارد (واتسـون و گلیـزر، ۱۹۸۰، ۶۱). ۴- تعبیر و تفسیر: تعبیر و تفسیر توانایی پردازش اطلاعات و تعیین اعتبار آنها می باشد. در این فرآیند بـایستی قضاوت شـود که آیا نتـایج به طور منطـقی از داده و مقدمـه های خود گرفتـه شده است یا خیـر؟ (واتسـون و گلیـزر، ۱۹۸۰، ۷۲). ۵- ارزشیـابی استدلالهای منطقی: در موارد مهم تصمیم گیری دربارهٔ انتخـاب استدلالهای قـوی و ضعیـف، مطلوبتـر آن است که بتـوانیـم استدلالهای قوی و ضعیف را تشخیص دهیم. یک استدلال منطقی وقتی قوی است که هم مهم وهم در ارتباط مستقیم با سؤال باشد و یک استدلال وقتی ضعیف است که مستقیماً در ارتباط با سؤال نباشد (حتی اگر از اهمیت زیادی برخوردار باشد) یا کم اهمیـت باشد و یا تنها با جنبه های علمی و کم اهمیـت سـؤال در ارتبـاط باشد (واتسـون و گلیـزر، ۱۹۸۰، ص ۸۹).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

روانشناسی محیطی

«روانشناسی مُحیط»، «روانشناسی اکولوژیک» یا «علوم اکورفتاری» از شاخه های تخصصی روانشناسی عمومی است. به گفته «گرامان» در روانشناسی سنتی به ابعاد مُحیطی- فرهنگی توجه کافی نشده و این مسأله موجب پیدایش رشته روانشناسی مُحیط یا اکولوژی شده است. انسان با توجه به نیازها، ارزشها و هدف های خود، مُحیط را دگرگون می کند و بطور متقابل تحت تاثیر مُحیط دگرگون شده قرار می گیرد؛ بویژه تکنولوژی پیشرفته موجب می شود تأثیر انسان بر مُحیط شدت و سرعت یابد. در ضمن در رابطه با مفهوم فضا در روانشناسی محیطی می توان به مفهوم قرارگاه های رفتاری اشاره داشت؛ چنانچه در روانشناسی مُحیط، رفتار را در چارچوب قرارگاه فیزیکی مورد بررسی و پژوهش قرار می دهند به طورمثال یک مدرسه یا آموزشگاه قرارگاه فیزیکی محسوب میشود؛ قرارگاه فیزیکی به معنی فضای فیزیکی با هدفهای کاربردی و سازمانی تعریف شده به کار می رود؛ مانند بیمارستان که محل مداوای بیماران است یا کلاس درس که محل تدریس و تعلیم است (مرتضوی، ۱۳۶۷، ص ۹). «نظریه های روانشناسی مُحیط در فضا» به قرار زیر است:

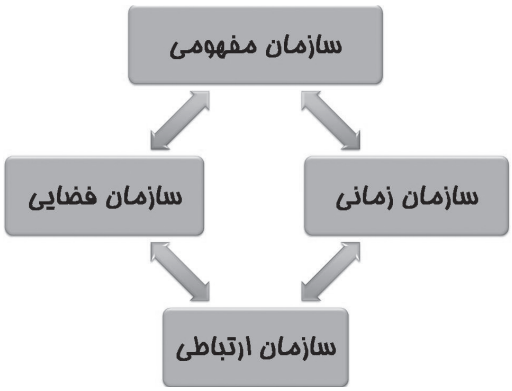
۱. «اختیاری»[1]: مُحیط تأثیری روی رفتار و اراده انسان ندارد؛ بگونه ای فقدان تأثیر مُحیط را مطرح می کند.

۲. «امکان گرا»[2]: مُحیط امکانات و فقدانهای مختلف را بوجود می آورد ولی در نهایت انسان در انتخاب، آزاد است.

۳. «احتمال گرا»[3]: احتمال آماری رفتارها را زیاد می کند، تفاوتش با امکان گرا دراین است که جنبه ی آماری دارد (چیدمان اتاق).

۴. «قطعیت گرا»[4]: تأثیر مُحیط کاملاً قطعی است.

سه نظر در مورد جبریّت مُحیطی معماری بدین شرح است: «۱. جبریّت مُحیط (اقلیم فرهنگ- طبقه اجتماعی- نوع تربیت- عناصر تاریخی و جغرافیایی)؛ ۲. جبریّت معماری (کاملاً فیزیکی است؛ فضای هدایت شده مصنوع و خرد؛ ۳. جبریّت کالبدی (در حوزه وسیعتر، شهر، غیر از شهر اقلیم هم درآن دخالت دارد، منطقه کوهستانی، و بیابانی).»



نمودار ۹. انواع سازماندهی فضا بر اساس دیدگاه امس راپاپورت؛ ماخذ: نگارندگان.

انواع فضاسازی از دیدگاه روانشناسی مُحیط به قرار زیر است:

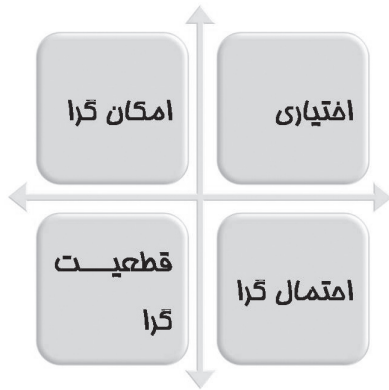
۱.«**فضا با سیمای نیمه ثابت**»: فضاهای چندعملکردی که قابلیت فضایی و رفتاری زیادی دارند، بنابراین فضاهای چند عملکردی تثبیت شده نیستند. فضاهایی که کیفیّت آنها را می توان با تغییر فاکتورهایی نظیر چیدمان مبلمان، تغییر داد که این تغییرات موجب تغییرات رفتاری کاربران آن فضا هم خواهد بود؛ بنابراین می توان الگوهای رفتاری مناسب را استخراج کرد و فضا را در جهت رسیدن به آن سازماندهی کرد.

۲. «**فضای بی شکل**»: در واقع همان فواصل فضایی است که شکل ندارد.

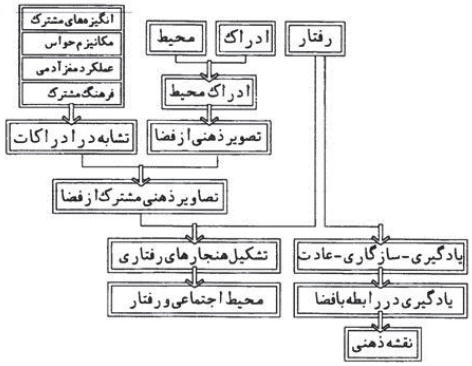
۳. «**فواصل در حیطه انسانی**»: این فواصل را به نام های فاصله گریز، فاصله بحرانی و فاصله شخصی و اجتماعی طبقه بندی کرده است. فاصله گریز و فاصله بحرانی به جز در چند مورد، از واکنش های انسانی حذف گردیده است.

1. Free Wile Approach
2. Possibility
3. Probability
4. Determinism

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



نمودار ۱۰. انواع نظریه های روانشناسی محیطی و شناخت رفتاری؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان.



نمودار ۱۱. بررسی رابطه محیط و رفتار؛ ماخذ: زراعت دوست، ۱۳۷۹، ص ۸.

۴. «**طبقه بنـدی مدل هم جـواری**» (فواصل انسـان در شـرایط محیطـی): کـه بر اسـاس دیـدگاه آلتمن به قـرار زیر اسـت: ۱. فاصله خصوصی؛ ۲. فاصله شـخصی؛ ۳. فاصلـه اجتماعـی؛ ۴. فاصلـه عمومـی. فرضیه نهفته در سیسـتم طبقه بنـدی مـدل هم جـواری بدیـن قـرار اسـت کـه؛ بـروز رفتاری کـه ما آنـرا تعیین مـرز قلمرو (مالکیـت) مـی نامیـم، در سرشـت تمـام حیوانـات و انسـان وجـود دارد و بـرای این کار، آنهـا از حواس برای تشـخیص یک فضـا یـا فاصله از فضـای دیگر اسـتفاده مـی کنند. انتخـاب فاصلـه ای معین بسـتگی به کنش متقابـل، ارتبـاط افـراد واکنش گـرا، نحوه احسـاس آنها و آنچـه انجـام می دهنـد، دارد.

در ۱۹۶۶ کتـاب بعـد پنهـان کـه توسـط «ادوارد تـی هال»[1] نوشـته شـده اسـت. واژه «پراکسـمیک»[2] علمی کـه در مـورد فواصلـی کـه انسـان‌ها میـان خودشـان و دیگـران در نظـر می‌گیرنـد صحبـت می‌کنـد، را بـه منظـور توضیـح انـواع مختلـف فضـا و فضاهـای قابـل اندازه‌گیـری میـان مـردم زمانـی کـه بـا یکدیگـر در تعامـل هسـتند بـه کار می‌برد. سـه نوع فضـای و چهار نـوع فاصلـه‌ای کـه هـال مطـرح می‌کنـد، هـم اکنـون نیـز توسـط جامعه‌شناسـان و معمـاران مـورد اسـتفاده قـرار می‌گیـرد. ایـن فواصـل خطـوط طراحـی بسـیار مفیـدی را بـرای طراحـی و فضاهـای تعامـل اجتماعی کـه راحـت و مطلـوب بـرای فعالیت‌هـا و رفتارهـای عمومـی می‌باشـد، بوجـود می‌آورند. سـه نـوع از فضاها عبارتنـد از: «فضاهـای با اجزاء ثابت»: شـامل چیزهایی کـه غیرقابـل حرکـت هسـتند (دیوارها، مرزهـای فضا، مبلمان‌هـای ثابـت)؛ «فضاهـای نیمـه ثابـت»: شـامل اجـزاء متحـرک ماننـد مبلمان‌هایـی که ثابت نیسـتند؛ «فضاهـای غیررسـمی»: فضـای شـخصی اطـراف بدن فـرد کـه بـا فـرد حرکـت می‌کنـد و فواصـل را میـان مردم و شـخص مشـخص می‌سـازد. چهار معیـار فاصله از دیـدگاه هـال، عبارتنـد از:

۱. «فاصلـه خصوصـی»: بـرای در آغـوش گرفتن، لمس کـردن و پـچ پچ کـردن (۴۵/۷۲-۰ cm)؛

۲. «فاصلـه شـخصی»: بـرای تعامـل میـان دوسـتان نزدیـک (۱۲۱/۹۲-۴۵/۷۲ cm)؛

۳. «فاصلـه اجتماعـی»: بـرای تعامـل میـان آشـنایان (۳۶۵/۷۶-۱۲۱/۹۲ cm)؛ و

۴. «فاصلـه عمومـی»: بـرای مشـاهده افـراد و بـدون تعامـل (بـه بـالا ۳۶۵/۷۶).

فرهنگ‌هـای مختلـف اسـتانداردهای متفاوتـی بـرای فواصـل شـخصی دارنـد. در فرهنـگ آمریـکای لاتیـن، فواصـل شـخصی کوچک‌تـر اسـت و مـردم در هنـگام نزدیـک شـدن بـه یکدیگـر احسـاس راحتی بیشـتری می‌کنند. در فرهنگ کشـورهای اروپای شـمالی، خلاف

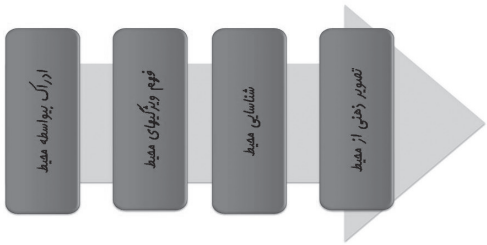
1.Edward T. Hall

2.Proxemics

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

ایـن موضـوع صـادق اسـت و مـردم فواصـل بیشـتری میـان خودشـان و سـایر افـرادی کـه نمی‌شناسـند، رعایـت می‌کننـد. عـلاوه بر فرهنـگ، فواصل شـخصی بـه شـرایط، جنسـیت و ترجیحـات شـخصی افـراد نیز وابسـته اسـت. در فواصـل بسـیار متراکم ممکن اسـت فاصلـه اجتماعـی و فاصلـه عمومی با یکدیگـر ترکیب و خلاصـه شـوند (هـال، ۱۹۹۰، ص ۸۵).

«کریسـتوفر الکسـاندر و همکارانـش» ، در کتاب «زبان الگـو» سیسـتمی از فضاها را پیشـنهاد می‌کنند که در آن فضاهـای کوچکتـر به عنـوان فضاهایی کـه می‌توان از آن‌هـا فضاهـای بزرگتـر را تحـت نظر گرفـت، در نظر گرفتـه می‌شـدند و با یکدیگر سلسـله مراتبـی از فضاها را بوجـود می‌آورنـد. در فضاهـای خارجـی، مـردم بـه دنبـال نقاطـی می‌گردنـد کـه به‌جـای آنکـه بـه طـور مسـتقیم بـا فضایـی رود در رو گردند، از آن‌جـا بتوانند بـه یـک فضای بزرگتر نظـر بیاندازنـد؛ در عین حال نیز از پشـت سرشـان تحـت حفاظـت و حمایـت از طریـق یـک فضـای دیگـر باشـند. ایـن یکـی از پایـه‌ای تریـن مفاهیمـی اسـت کـه در ارتبـاط بـا شـیوه مکان‌گزینی مـردم در یـک فضـا وجـود دارد. ایـن مشـاهدات بـرای سـاخت مکان‌هایـی کـه بـرای مـردم راحـت هسـتد بسـیار کاربـردی می‌باشـند (الکسـاندر، ۱۹۷۷، ص ۵۵۸)؛ چنیـن سلسـله مراتبـی بـه اسـتفاده کننـدگان ایـن اجـازه را می‌دهـد که بـه مقیاس مورد علاقه‌شـان



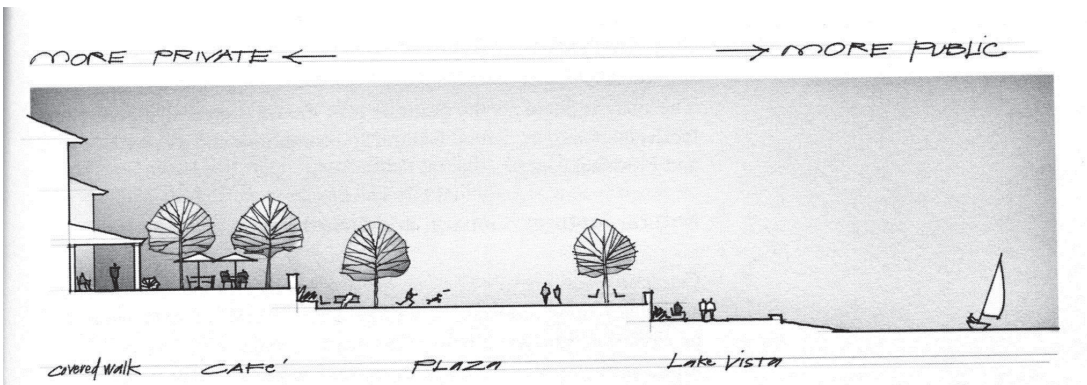
نمودار ۱۲. محیط و ارتباط آن با انسان در حوزه شناخت؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان بر اساس نظریات نوربری شولتز.

تغییـر مـکان دهند.

ابعاد رفتاری و ادراکی فضای شهری

در بررسـی تاریخ شـکل گیری نظریات طراحی شـهری و شهرسـازی توجـه بـه دو نکته حائز اهمیت اسـت:

الـف- بـا مـرور آراء صاحبنظـران و نظریـه پـردازان در می یابیـم کـه پـس از تاکیـد بـر مسـایل مربـوط بـه ادراکات فضایی و بصری و زیبایی شـناختی، لزوم توجه بـه تقویـت تعامـلات اجتماعـی و تاثیـرات محیطـی- رفتـاری در ادبیـات شهرسـازی وارد شـدند، و پـس از آن امـروزه بـا تثبیت تقریبی نقش کالبـدی و اجتماعی فضاهای شـهری بیشـترین فعالیتهـا و نظریه ها مبتنی بـر ملاحظات زیسـت محیطی، پایـداری و ایجاد امنیت و انسـان مـداری در قلمـرو هـای عمومی می باشـد. اما لازم بـه ذکـر اسـت لـزوم توجـه بـه مطالعـات رفتاری و تعامـلات اجتماعـی جـز لاینفـک طرح های شـهری



2.8 A hierarchy of space (looking to an opening beyond the space immediately in front). Credit: Robert G. Chipman, ASLA.

تصویر ۱. ایجاد محیط خصوصی و عمومی همزمان در فضای شهری؛ ماخذ: آرشیو شخصی.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول ۱. دسته بندی نظریات موجود در رابطه با بعد ادراکی و رفتاری فضای شهری؛ ماخذ: نگارندگان.

نظریه پرداز	سال	عنوان نظریه-کتاب	مفاهیم کلیدی
حانا آرنت	۱۹۵۸	شرایط انسانی	قلمرو عمومی عامل اصلی برونگری و زندگی سیاسی و عمومی
پاول زوکر	۱۹۵۹	شهر و میدان	میدان عامل تبدیل جامعه به اجتماع نه صرفا محل تجمع افراد
کوین لینچ	۱۹۶۰	سیمای شهر	تشکیل تصویر ذهنی و عناصر سازنده سیمای شهر از دیدگاه شهروندان
جین جیکوبز	۱۹۶۱	مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی	پیاده رو عامل ایجاد تقویت و تعاملات اجتماعی؛ مفهوم نظارت اجتماعی از طریق طراحی
آموس راپاپورت	۱۹۷۷	جنبه های انسانی فرم شهر	موقعیت غیر انفعالی انسان نسبت به محیط؛ جهت یابی عابرین در محیط شهر
ویلیام وایت	۱۹۸۰	زندگی اجتماعی فضاهای شهری کوچک	تاکید بر نقش اجتماعی فضای شهری و بررسی الگوهای رفتاری مردم
اپلیارد	۱۹۸۱		تاثیر حمل و نقل و کالبد شهر بر تعاملات اجتماعی
رومیدی پاسینی	۱۹۸۴	مسیریابی در معماری	جهت یابی مردم در فضای شهری و توجه به نیازهای ویژه کاربران
جان لنگ	۱۹۸۷	آفرینش نظریه ممار ی	قرارگاه های رفتاری، تشکیل طرح واره ذهنی از تصورات مردم از محیط، تعامل قابلیت های محیط ساخته شده و رفتار
جان گهل	۱۹۸۷	زندگی در میان ساختمان ها	تقسیم بندی فعالیت در فضای شهری: ضروری، انتخابی، اجتماعی
اولدنبرگ	۱۹۸۹	مکان خوب، کافه ها، کافی شاپ-ها، و دیگر پاتوق ها در قلب یک اجتماع	تاکید بر تقویت عرصه های عمومی به عنوان قلمرو سوم افراد
کلر کوپر مارکس	۱۹۹۰	مکان های مردمی	ارزیابی محیط سکونتی و معرفی فضای شهری هفتگانه
هاوس کلاو	۱۹۹۹	سرزندگی اجتماعی	توجه به الگوهای رفتاری و بستر اجتماعی فرهنگی برای طراحی
حسین بحرینی	۱۹۹۶	تحلیل فضای شهری در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده کنندگان	ارائه ضوابط مناسب طراحی با تحلیل کمی و کیفی فضای خیابان و الگوهای رفتاری استفاده کنندگان از فضا
علی مدنی پور	۲۰۰۰	طراحی فضای شهری	فرایند اجتماعی- مکانی فضای شهری
جهانشاه پاکزاد	۲۰۰۵	راهنمای طراحی شهری در ایران	توجه به زمینه های ادراکی محیطی و رفتاری- محیطی در فرایند طراحی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

امـروزی اسـت. در واقـع دسـتیابی بـه شـهری پایـدار رابطـه تنگاتنگـی با میزان پاسـخگویی محیـط و فضای عمومـی بـه تمامـی ابعاد نیازهـای انسـانی دارد و هرجا بحـث نیـاز مطرح می شـود رفتـار نمود عینـی می یابد (کاشـانی جو، ۱۳۸۹)؛

ب- نکته دوم اینکه توجه صرف به مسـایل زیباشـناختی و ادراکات بصـری مشـکلات زیـادی بـرای اجتماعـات محلـی ایجـاد نمودنـد کـه منجـر بـه تولیـد نظریـات محیطـی رفتـاری بـا لزوم تاکیـد بر تعامـلات اجتماعی شـدند. امـا همیـن نظریات بسـتر رسـیدن بـه نظریات پایـداری و تامیـن کیفیـت محیـط امـروزی شـدند، امـروزه مقیـاس انسـانی و انسـان مداری در شهرسـازی اهمیـت یافتـه و توجـه بـه تامیـن نیازهـای انسـانی از جملـه تامیـن ایمنـی و امنیـت محیطـی در راس کار طراحـان قرار گرفته اسـت. بنابراین سـیر تحول ادبیات و نظریـات شهرسـازی نشـان مـی دهـد نه تنهـا مولفه هـای اجتماعـی و تاثیـرات محیطـی رفتـاری، حفـظ نشـده اسـت، بلکـه گسـترش و ارتقـا کیفی سـایر ابعاد بـر پایـه ایـن مولفـه هـا و تقویت آنهـا منجر بـه ظهور رویکردهـای فعلـی شـده اسـت، همچنیـن نظریـات مطـرح شـده در ایـن حیطه نقـش مهم و به سـزایی در سـاخت کالبدی شـهرهای امـروزی ایفا کرده اسـت که بررسـی آن حائـز اهمیـت می باشـد.

فضاهای اجتماع دوست[1] و فضاهای اجتماع گریز[2]

«هامفـری اسـمند»[3]، روانپزشـک کانادایی کـه به تاثیر محیط اجتماعی بر بهبود شـدن شـرایط ذهنی بیماران علاقمنـد بـود، دو الگـوی فضایـی کـه تاثیـر مهمـی بر تعامـل میـان بیماران داشـت را شناسـایی نمود:

۱- فضاهـای اجتمـاع دوسـت تمایل به کنـار هم جمع کـردن افراد دارند و ارتباط و صحبت کردن و معاشـرت را تشـویق می‌کنند.

۲- فضاهـای انـزوا دوسـت تمایـل دارند که مـردم را از یکدیگـر جـدا نگـه دارند و تعامل‌هـا و معاشـرت‌ها را تا حـد امـکان کاهش دهنـد. طراحان می‌تواننـد بر میزان وجـود تعامـلات در فضاهـا و یـا در یک مکان نشسـتن بوسـیله چیدمـان فضـا و مبلمـان داخـل آن تاثیر گذار باشـد (میـن و گریت هانـا، ۲۰۱۰، ص ۲۷).

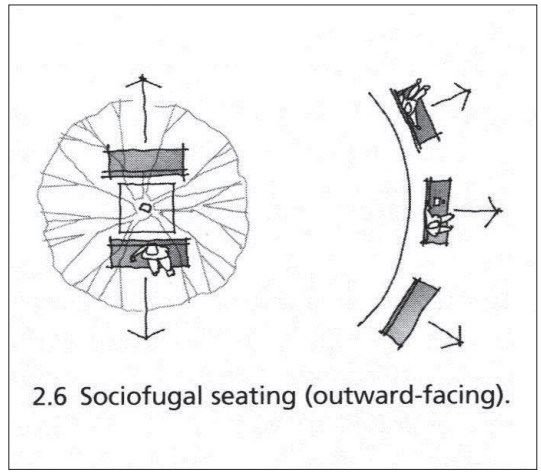
مبلمان شهری

مبلمان شـهری به مجموعه وسـیعی از وسـایل، اشـیاء، دسـتگاه‌ها، نمادهـا و عناصـری گفتـه می‌شـود کـه چـون در شـهر و خیابـان و در کل در فضـای بـاز نصب شـده انـد و اسـتفادۀ عمومـی دارنـد بـه ایـن اصطـلاح معـروف شـده انـد. بـه عبـارت دیگـر عناصـری ماننـد: نیمکتهـا، ایسـتگاه هـای اتوبـوس، علایم، منابـع نوری، صنـدوق هـای پسـتی، سـطل های زبالـه کـه بـرای راحتـی، آسـایش و زیبایـی بیشـتر، ارایـۀ اطلاعـات، کنتـرل حرکـت و رفـاه شـهروندان در فضاهای شـهری قـرار داده شـده‌اند؛ مبلمـان شـهری نـام دارد (زارع و پرتـوی نـژاد، ۱۳۸۵، ص ۱۸).

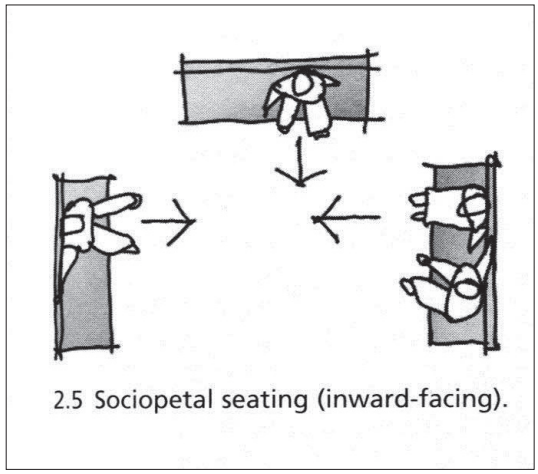
«گـوردن کالـن» بـه «هنـر تناسـبات» اشـاره می کند و آن را پایـه هنـر معمـاری مـی دانـد. دلیـل وجـود آن ایجـاد نظـم معقـول بیـن تمـام عناصری اسـت که در تکویـن محیـط بـه کار رفتـه اسـت. سـاختمانها، درختـان، طبیعـت، آب، ترافیـک و علائـم تبلیغاتـی و مبلمـان شـهری را به‌گونـه‌ای بهـم مرتبـط کنیـم تـا اینکـه نمایش هنری شـهری بـه حقیقت بپیونـدد؛ زیرا شـهر رویدادی هیجـان انگیز اسـت (ایرانمنش، ۱۳۸۳، ص ۱۴). تسـهیلات و تجهیـزات رفاهـی درون فضاهای شـهری را مبلمـان شـهری می‌خوانند. مبلمان شـهری محیـط مناسـبی بـرای زندگـی و فعالیـت در شـهرها فراهـم می‌آورد. از چند دهه پیـش تاکنون، آگاهی های تـازه‌ای دربـاره فضاهـای شـهری پدید آمده اسـت و بار دیگـر خیابـان، به‌عنـوان فضایـی بـرای زندگـی و نـه صرفـاً محلـی برای عبـور و مرور وسـایط نقلیـه، مطرح شـده اسـت. این نگـرش را می‌توان بازگشـتی به‌شـیوۀ اسـتفاده از خیابـان پیـش از تسـلط خـودرو دانسـت. بدینسـان، تجهیـزات مبلمان شـهری، در همۀ سـطوح سـواره و پیـاده، بـر کیفیـت منظـر خیابانهـا می‌افزایـد و ایمنـی و راحتـی شـهروندان را تأمیـن می‌کنـد. از سـویی دیگر، «مبلمان شـهری شـامل نیمکتهـا، مکان

1.Sociopetal
2.Sociofugal
3.Hemphrey Osmond

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



تصویر ۲. محل نشستن اجتماع گریز (جهت‌گیری به سمت بیرون از فضای تعامل)؛ ماخذ: آرشیو شخصی.



تصویر ۳. محل نشستن اجتماع دوست (جهت گیری به سمت بیرون از فضای تعامل)؛ ماخذ: آرشیو شخصی.

نشستن، دکه های تلفن، تجهیزات بازی کودکان، سطلهای زباله، کیوسکهای روزنامه فروشی، حفاظها و شبکه های درختان، دکه های فروش غذا و تجهیزات کافه ها و نظایر اینهاست» (حسینیون، ۱۳۸۳، ص ۷۰). طراحی تجهیزات خیابان بخشی از مضمون کلی طراحی شهری است که به فضای شهر زیبایی و راحتی می‌بخشد. عناصر تجهیزات خیابانی یا مبلمان شهری را نباید به‌صورت منفرد و مجزا طراحی کرد، بلکه باید به آنها به‌عنوان بخشی از یک نظام هماهنگ فضای شهری نگریست، که در آن همهٔ اجزاء به‌طور هماهنگ مورد توجه قرار می‌گیرند و ارتباط مناسبی با ساختمانها (بدنه‌ها) و بستر خیابانها (کفپوشها) برقرار می‌سازند. ازاین‌رو، حتی در طراحی کوچک‌ترین عناصر مبلمان شهری، برای مثال یک نیمکت یا آبخوری، نباید منظره کلی و فراگیر فضای شهری را نادیده گرفت. مبلمان شهری که قبل از هر چیز به ایجاد تنوع در فضای بصری شهرها کمک می کنند، می بایست حائز ویژگیهایی باشند که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- «**هویت بخشی به فضاهای شهری**»: مراد از هویت در اینجا یعنی اینکه شخص تا حدی می تواند یک مکان را به عنوان مکان متمایزی از سایر مکانها شناخته و یا بازشناسی کند؛ به طوری که مکان بواسطه حجم نصب شده دارای شخصیتی جغرافیایی، بی نظیر و یا حداقل مخصوص به خود را دارا شود؛ بنابراین یکی از کارکردهای حجمهای شهری جایابی و دادن هویت جغرافیایی به فضا و مکان است. یکی دیگر از کارکردهای حجم شهری آن است که باید از نظر فرهنگی هویت بخش و انتقال دهندهٔ پیامی خاص باشد.

۲- «**رابطه متقابل فرهنگی**»: حجمهای شهری باید بتوانند با روحیات جمعی مردم و واقعیتهای اجتماعی آنان ارتباط برقرار کنند. هر فضا و موقعیتی فرهنگ خاص خودش را دارد و حجمی که در آن فضا قرار می گیرد، باید با موقعیت و فرهنگ مردمی که از مقابلش می گذرند سنخیت داشته باشد. حجم های شهری محمل بسیار مهم و در عین حال حساسی در زیبا سازی و هویت دهی به فضاهای عمومی است، چنان که «هنری مور» معتقد است: مجسمه سازی بیش از نقاشی (که به طور عمومی محدود به بیان درونی است)، هنری متعلق به توده است (مور، ۱۳۸۵، ص ۷).

۳-«**به عنوان نماد یا نشانه ای شهری**»: حجم های شهری، نه تنها به غنای بصری شهر و فضای زیست اجتماعی ما کمک می کنند، بلکه

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

به عنوان نمادها و نشانه هایی از فرهنگ و هویت جمعی ما قابل استناد هستند و از این بابت است که باید رویکردی تازه تر و جدی تر به آنها داشت. نشانه از عناصر اصلی سازنده سیمای شهر است از نظر «کوین لینچ» نشانهها، عواملی در تشخیص قسمت های مختلف شهر هستند. خصوصیات نشانه باید چنان باشد که بتوان آن را از میان عوامل بسیار بازشناخت. اگر نشانه ها فرمی واضح داشته باشند، با زمینه خود متضاد و به اطراف خود غالب و مسلط باشند شناخت آنها به آسانی میسر است و احتمال بیشتری هست که بر آنها معنایی متصور باشد، مجسمه ها در بسیاری موارد به ویژه اگر اندازه آنها بزرگ باشد میتوانند به عنوان نشانه در سطح محله، منطقه یا حتی شهر مطرح شوند.

۴- «**بالا بردن سطح سواد بصری مخاطب**»: کارکرد حجمهای شهری در این مورد، ارتقاء سطح دانش و آگاهی های عمومی شهروندان در خصوص رویداد های فرهنگی و غیره است.

۵- «روحیه بخشی مضاعف به فضای شهری»: از ابتدایی ترین مقاصد هنرمند به محیط همین گزینه می باشد که فضا باید حس سرزندگی را به مخاطب هدیه نماید و در غیر این صورت اهداف متصور شده اجرایی نخواهد شد.

۶- «**متناسب با شأن مکان**»: یکی از مهم ترین کارکردهای حجم، القا روحیه خاص در فضا یا تقویت روحیه یک فضاست. مکان، بخشی از فضاست کهبه وسیله شخص یا چیزی اشغال شده است و دارای معنایی ارزشمند است. پس یکی از ملزومات رضایت مندی مخاطب در عرصه شهری، هماهنگیحجم با محیط و تقویت انسجام بصری است.حجمی که موضوع آن یک رویداد تاریخی باشد تا سال ها بعد از آن می تواند تداعی گر این واقعه باشد که به عنوان نمونه می توان به حجم میدان انقلاب در تهران اشاره نمود.

۷- «**ارتباط بی واسطه**»: حجم های شهری با انواع حجم هایی که در موزه ها و گالریها می بینیم، تفاوتهایی اساسی دارند. این نوع حجم ها، در ارتباط مستقیم با مردم هستند و باید در منظر زیبایی شناختی، یک اثر هنری کامل باشند.

۸- «**ثبت خاطره بصری و مانایی در اذهان**»: در میادینی که از سابقه تاریخی خاصی برخوردار نیستند و نامی قراردادی برای آنها تعیین شده است،به صورتی مورد توجه قرار می گیرد که نام مکان را در اذهان بینندگان ثبت کند که به عنوان نمونه می توان به میدان لاله (نمادی از لاله) اشاره نمود.

۹- «**بالا بردن سطح آگاهی هنری مخاطب در سبک شناسی**»: (ارتقاء سطح سلیقه عمومی) حجم ها تداعی گر جلوه هایی از هنر در بین مخاطبین و عموم می باشند و از این رو می توانند مردم را با سبک های هنری آشناسازند و بر دانش هنری و سواد بصری آنها بیفزایند.

۱۰- «**سرعت در انتقال مفاهیم**»: این حجم ها باید بتوانند به سرعت تاثیر زیبایی شناختی بر مخاطب خود بگذارند، چرا که مخاطب این آثار تنها برای دیدن آنها به شهر نمی آیند و در نهایت این مجسمه ها باید بتوانند پیام و مفهومشان را به سرعت به مخاطبان خود انتقال دهند (مهاجر، ۱۳۸۶،ص ۱۰).

۱۱- «**شخصیت هنری یک هنرمند مجسمه ساز**»: ویژگی مهم حجم های شهری، تاثیری است که در قیاس با سایر انواع مجسمه سازی از جمله مجسمه سازی فردی یک هنرمند دارد. در حقیقت، حجم شهری در یک نمایشگاه هنری دائمی با مخاطبین بی شمار به نمایش در می آید، و به همین دلیل هم در ارتقای دانش تجسمی جامعه به مراتب موثرتر از سایر حجم هاست (رهنورد، ۱۳۸۷، ص ۴).

روشهای ارزیابی قرارگاه های رفتاری

انجام پژوهش های میدانی بر روی «رفتار و فعالیت های انسانی»، از دهه ۶۰ میلادی آغاز شده است و معماران و طراحانی مانند «کریستوفر الکساندر»، «مایکلسون»، «تیل»، «اپلیارد»، وایت

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

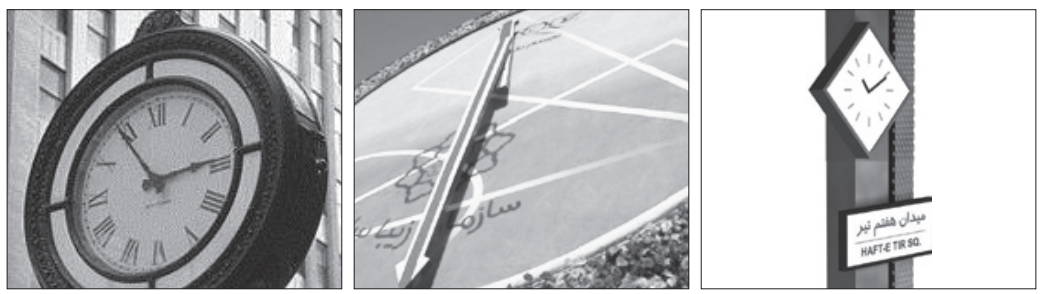
مسئله فوق را به صورت جدی دنبال کردند. در حقیقت پایه گذار مطالعات بصری- رفتاری را باید پروفسور «دونالد اپلیارد» دانست که با همکاری «کوین لینچ» و «جان مایر» اولین پژوهش بصری تجسمی را در مقیاس شهری انجام داد. برداشت الگوهای رفتاری افراد در چند میدان مهم تهران نیز توسط بحرینی انجام شده است. در این روش از تکنیک عکسبرداری تدریجی استفاده شده است. بر اساس نوع، چگونگی و میزان نتایج و دامنه حوزه مداخله در رفتارهای شهروندی، روشهای گوناگونی برای پیمایش، بررسی و ارزیابی فرهنگ شهرنشینی و چگونگی کاربست فضایی شهر بوسیله شهروندان، مورد استفاده قرار می گیرد که در تحقیقات «ساخت نظریه و آزمون نتایج»، مورد کاربرد دارند. بررسی و مطالعه رفتارهای شهروندی از آن جهت مهم می نماید که تنها از بستر این شناخت و ارزیابی رفتارهای شهروندی است که می توان، امکان تطبیق فضاهای شهری در حوزه برنامه ریزی و طراحی



نرده و جداکننده های شهری: تقسیم و تعریف فضا؛ اهداف اصلی در این نوع مبلمان عبارتند از: نظم، ایمنی و هویت بخشی. برای جداسازی و تعیین حریم، توجه ویژه ای به طراحی این وسایل می شود.



راه بند و تیرک: تعریف و جدا نمودن فضا؛ اهداف اصلی در این نوع مبلمان عبارتند از: محدودیت عبور و احترام به پیاده.



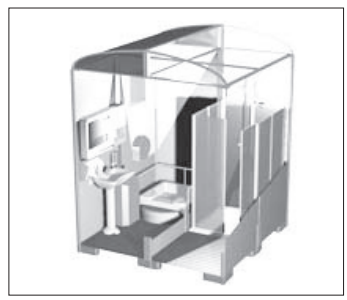
ساعت شهری: اهمیت دادن به زمان؛ اهداف اصلی در این نوع مبلمان عبارتند از: افزایش دقت و برنامه ریزی و زیبایی محیط.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]





سـطل زبالـه: نظافـت و بهداشـت عمومی؛ اهـداف اصلی در این نـوع مبلمان عبارتنـد از: احترام به شـهروند و نظم و آراسـتگی.





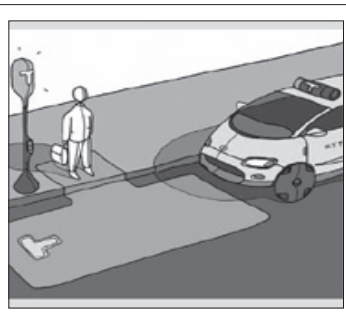
سـرویس بهداشـتی: توالت شـهری؛ اهداف اصلی در این نوع مبلمان عبارتند از: نظافت و بهداشـت شـخصی و عمومی، و سـازه موقـت و قابل حمل.





سـرپناه ایسـتگاه اتوبوس: مـکان انتظار و توقف؛ اهداف اصلـی در این نوع مبلمان عبارتند از: سـرپناه، اطلاع رسـانی و نشانه شهری.






ایسـتگاه تاکسـی: مکان توقف تاکسـی و مسـافر؛ اهداف اصلی در این نوع مبلمان عبارتند از: سـرپناه، نشـانه و ایجـاد نظم و زیبایی.

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]





پـل عابـر پیـاده؛ اهـداف اصلـی در ایـن نـوع مبلمـان عبارتنـد از: ترافیـک روان پیـاده و سـواره، و ایمنـی و آسـایش پیاده

شـهری را با نیازهای سـالم انسـان شـهری فراهم کرد و از همین روی اسـت که بهره گیری از دانشـهای انسـان شناسـی، جامعه شناسـی و حتی روانشناسـی محیطی، دارای اهمیـت مـی شـود. معیارهـای اجتماعی شـهری را پدیـده هایـی مـی داننـد که به انسـان، اجتمـاع و به اسـتقرار آن نسـبت می دهند و گسـتره ای از تغییرات و تراکمهـای جمعیتـی، نیازهـای اجتماعـی و شـرایط زندگـی را در بـر مـی گیـرد (وزیـن، ۱۳۸۴، ص ۸۱). عـلاوه بر این عرصه فضاهای شـهری بـا مفاهیمی مانند خلـوت، فضـای شـخصی، قلمروهـا و ازدحـام ارتبـاط نزدیکـی دارد (آلتمن، ۱۳۸۲)، چنانچه خلوت و فضای شـخصی، نـوع و رفتارهـای خاصـی را ایجـاب می کند، در عیـن حـال که فراینـدی دیالکتیکی و دائـم در حال تغییـر اسـت. قلمروهـا نیـز نقـش تسـهیل کنندگی در تعامـلات اجتماعـی و تثبیـت نظامهای اجتماعـی را در بـر دارند کـه در برخی الگوهای روانشناسـی محیطی - روانشناسـی «بوم شـناختی گیبسـون»، رفتار و محیط، چنـان درهـم تنیده می شـوند کـه انفکاک آنها دشـوار مـی شـود، گویـی رفتـار تنها در بسـتر محیط شـهری، تعریف پذیـر می شـود و رابطه انسـان شـهری و محیط زندگـی، پویـا و دائـم در حال تغییر می شـود (نمازیان، ۱۳۸۲، ص دوازده). در هـر صـورت در راسـتای مطالعه فرهنـگ شهرنشـینی، برحسـب نیـاز و نـوع رویکـرد و میـزان مداخلـه در محیـط شـهروندی، و یـا میـزان آگاهـی شـهروندان از مورد مطالعـه قرارگیری، می توان بـه شـیوه هایی اشـاره کـرد به آنهـا پرداخته می شـود:

شیوه های مداخله گر[1] در ارزیابی قرارگاه رفتاری

شـیوه های مداخله گـر را روش هایـی می داننـد کـه بـه فـرد یـا گـروه مـورد مطالعـه معرفی شـده باشـند. تحقیـق تجربـی[2] را نمونـه کلاسـیک رویکـرد مداخلـه گـر می دانند و مصاحبـه و نظر خواهـی را، رویکردهای واسـطه ای مداخله گـر در مطالعه رفتارهای شـهروندی بشـمار مـی آورنـد (لنـگ، ۱۳۷۸، ص ۶۰). ذکـر ایـن نکتـه نیـز بدیهی اسـت کـه در این روش ممکن اسـت گروه هـای شـهروندی، موضـوع تحقیـق و بررسـی را ندانند ولـی از ایـن امـر آگاهی دارنـد که در مـورد آنها تحقیـق مـی شـود. شـیوه های مشـاهده مداخله گـر در تحقیقـات سـاخت نظریـه[3] و آزمـون نتایـج کاربـرد بیشـتری دارنـد. از انجـا کـه توانایـی طـرح سـوال خـوب، از دانـش محتوایـی خـوب و معطوف به مسـاله حاصـل مـی شـود، نمی تـوان انتظـار داشـت کـه هـر شـیوه مطالعـه رفتـاری و فرهنگـی شهرنشـینی، دارای کارامـدی و موثری نتایج باشـد و در عیـن حال نیز باید توجه داشـت کـه هر شـیوه مطالعه، می تواند در بسـتر شـرایط، اهـداف و حـوزه مداخلات، کارامدی بیشـتری داشـته باشـد، چنانچـه ویژگیهـای روانشـناختی و نوع و میـزان مناسـبات اجتماعـی می توانـد در همـکاری شـهروندان یـا تحقق اهـداف تحقیق، تاثیر گذار باشـد.

۱. **«روش مصاحبـه و پیمایـش»**:[4] ایـن روش در کارهـــای حرفـه ای «مطالعـات فرهنگـی»[5] کاربـرد گسـترده ای دارد، بگونـه ای کـه در نهادهای مهندسـی مشـاور شهرسـازی در راسـتای انطباق حـوزه مداخلات

1.Ubtrusive Method
2.Expremental Research
3.Theory Making
4.Survey Method
5.Cultural Research

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

شـهری بـا نیازهـا و رفتارهای سـالم شـهروندی، از این روش بهـره بـرده می شـود. از آنجـا کـه در رویکردهای نویـن شـهری در حـوزه مطالعـات جامعه شـناختی و برنامـه ریزی شـهری، مـردم عاملی اساسـی در «فرایند تولید برنامه»[1] بشـمار می آینـد، و نمی توان هیچ اصلی را بـه شـهروندان در رابطـه بـا الگوهای رفتـاری و نحوه و چگونگـی اسـتفاده از شـهر دیکتـه کـرد (محمـودی نـژاد، ۱۳۸۵، ص ۶۸)، و یـا به هیچ وجـه نبایـد قصـد رویارویـی و برخـورد مسـتقیم بـا الگوهـای رفتـاری جامعـه و تغییـر یـا اصلاح آنهـا را به این ترتیب داشـت (بحرینـی، ۱۳۷۸، ص ۴)، ضـروری بنظـر می رسـد کـه از مصاحبـه و پیمایـش، بیشـتر بهـره بـرده شـود. روش مصاحبـه و پیمایش دارای مشـکلات اساسـی نیز می باشـند کـه اعتبـار[2] نتایـج کسـب شـده را کاهـش می دهـد کـه در ایـن میـان می تـوان بـه برداشـت اشـتباه[7] از نتایج مصاحبه و پیمایـش (1975,Marans)، عـدم درک صحیـح شـهروندان از پرسشـهای مصاحبـه (1974,Goodrich)، و یـا عدم شـفافیت در پاسـخگویی یـا صداقـت در نظـرات (محمودی نـژاد، ۱۳۸۵) اشـاره کرد.

۲. **«روش مشـاهده و ارزیابی»**: در این روش، ضمن آگاهـی فـرد یـا گروه هـای شـهروندی مـورد مطالعـه تـلاش می شـود تا الگوهـای رفتاری و نحـوه رفتارهای شـهروندی از طریـق مشـاهده مسـتقیم یـا با واسـطه، مـورد ارزیابـی قـرار گیـرد کـه در ایـن میـان توجـه به نـوع آداب و سـازواره های روانـی طبقـه مـورد بررسـی نیـز، دارای اهمیـت بسـیاری می شـود. ایـن امـر از آن جهـت مهم اسـت که میـزان آگاهـی افـراد از مطالعه و نظـارت بـر رفتـار ایشـان در محیـط شـهری، باعث می شـود که بسـیاری از شـهروندان در نحوه بروز اختیاری و آزادانـه رفتارهای خود تجدیدنظر کنند و در درسـتی نتایـج حاصـل از مطالعـه، تردید بوجـود آورند.

۳. **«روش نظرخواهـی و نظرسـنجی»**: در این روش نیـز از طریـق پرسشـنامه های مکتـوب مـی تـوان از نحـوه و ویژگیهـای فرهنگـی - رفتـاری شـهروندان، در نـوع، میـزان و چگونگـی بکارگیـری فضـای شـهری آگاهـی یافـت کـه بـه دو صـورت پرسشـنامه هـای موضوعـی و موضعیـا بر حسـب نوع سـوالات به صورت پرسشـنامه های عمیـق صـورت مـی گیـرد. از انجایـی کـه در ایـن روش نیـز افراد از مورد بررسـی قرار گرفتن آگاهـی دارنـد، ممکن اسـت که از بـروز آزادانـه رفتارها و تعامـلات خویـش بـا محیـط شـهری، اجتنـاب کنند کـه در میـزان کارامـدی و ارتقـا کیفی نتایـج حاصل از بررسـی و مطالعـه، اثـرات نامناسـبی دارد.

۴. **«روش طراحـی سـریع[3] برای پاسـخهای غیر کلامـی»**: منظور از این روش این اسـت کـه از آنجایی کـه بسـیاری از رفتارهـای شـهروندان، نمـی توانـد از «طریـق کلامـی[4]» ثبـت شـود، تـلاش مـی شـود تـا پاسـخهای غیر کلامی، رفتارها و نحوه بکارگیری فضای شـهری بوسـیله شـهروندان از طریق طراحی سـریع یا اسـکیس ثبت شـود(Vander Ryan Silverstein, 1967) تـا بتـوان در «رویکـردی گرافیکـی»[5]، چگونگـی و نوع کاربسـت شـهر، و یـا نوع فرهنگ شـهری حاکـم را که الگوهای رفتاری شـهروندان را تشـکیل مـی دهد، مورد ارزیابـی و بررسـی قـرار داد. ایـن روش در نـزد معماران و طراحـان شـهری، بـرای ادراک رفتارهـای شـهری و برهمکنش هـای تعاملـی فرهنـگ شـهروندان و نـوع رفتارهـای ایشـان، بـرای انطباق دهـی محیـط طراحی شـده شـهر با نیازهـای رفتاری سـاکنین شـهری، مورد استفاده دارد.

۵. **«روش ثبـت زمانی»**[6]: در این روش از شـهروندان خواسـته می شـود تـا فعالیتهـا و مـکان وقـوع آنهـا را ثبـت نماینـد (Michelson, 1975) کـه در ایـن راسـتا می بایسـت از صداقت و اختیاری بودن اراده شـهروندان و میـزان همـکاری و مشـارکت ایشـان، در رفتارهـا و چگونگـی بـروز در محیـط شـهری، اطمینـان حاصـل

1.Plan Making
2.Validity
3.Sketching Method
4.Dialouge Approach
5.Graphical Approach
6.Time Budget Method

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

کـرد. از انجـا که ایـن روش به میزان روشـهای دیگر، از همکاری و مشـارکت بیشـتری از طرف شـهروندان نیاز دارد، می بایسـت پـس از اطمینان از مشـارکت صادقانه و مشـارکت پذیـری شـهروندی، نسـبت بـه انجـام آن اقـدام کـرد تا از نحوه و میزان درسـتی نتایج بررسـی و مطالعـه سـاختار فرهنگی شـهر که در نحـوه رفتارهای شـهروندان و آداب شهرنشـینی در محیـط شـهری حاصـل می شـود، اطمینـان حاصل شـود.

۶. **«روش ثبـت زمانـی بـر عکس هـای هوایی»**: در ایـن روش، مطابـق روش بالا از شـهروندان خواسـته مـی شـود تا مـکان بروز، نـوع فعالیت و یا رفتـار خود را بـر روی عکس هـای هوایـی و یا سـاختار «دیـد از بالا» (پـلان) ثبـت کننـد (Michelson, 1970). آنچـه در این دو روش مهـم بنظر می رسـد، این اسـت کـه از انجایی که این روشـها بوسـیله خود شـهروندان که در مقیاس عـام از ابـزار و نـوع ایـن ثبتهـا آگاهـی ندارنـد صـورت می گیـرد، می توانـد در کارامـدی نتایـج و بازدهـی درسـتی نتایـج تحقیـق، تا حـدودی تردید ایجـاد کند.

۷. «روش آزمایشـگاهی»:[1] ایـن شـیوه بوسـیله آلتمـن (Altman,1975)در تعیین فضاهای شـخصی شهروندان و میـزان قلمروهـای فردی ایشـان مـورد اسـتفاده قرار گرفـت کـه در آن از آزمایش شـونده می خواهنـد، «فاصلـه واقعـی»[2] میـان خـود و دیگـران را انتخـاب کننـد. از آنجـا کـه تمایـل پژوهشـگران مطالعـات فرهنگ شـهری به سـوی رفتارهای «مـکان واقعی»[3]در حـال افزایش اسـت، ایـن روش از مقبولیـت ویژه ای در بیـن پژوهشـگران برخـوردار شـده اسـت. ایـن روش از شـیوه های بررسـی فضاهای شـخصی[4] بشـمار می رود کـه در تعییـن میـزان اجتمـاع پذیـری شـهروندان و احسـاس اجتماعـی ایشـان در محیـط شـهری، دارای کاربـرد اسـت. در ایـن شـیوه می تـوان از شـهروندان مـورد مطالعـه درخواسـت کـرد تا بـه دیگر شـهروندان نزدیـک شـوند یـا اجـازه دهنـد دیگـران، آن قـدر بـه آنهـا نزدیـک شـوند کـه احسـاس کننـد، دیگـر راحت نیسـتند. ایـن شـیوه سـه ویژگـی اساسـی دارد: الـف- آزمایـش شـوندگان آگاهـی دارنـد که رفتارشـان تحت نظـارت و کنتـرل اسـت؛ ب- آزمایشـگر بـر موقعیت یا نـوع واکنـش آزمایـش شـوندگان نظـارت دارد و در آن مداخلـه مـی کنـد؛ پ- فاصلـه در ایـن روش، معیـار اصلـی در تعییـن و ارزیابـی فضاهـای شـخصی بشـمار مـی رود و بـه زاویه قرار گیری افـراد در موقعیت، توجه چندانـی نمـی شـود. ایـن شـیوه بوسـیله «هارویتـز»[5] (Horowitz,1968) نیـز در تحقیقـات روانشـناختی خـاص مـورد اسـتفاده قـرار گرفته اسـت.

۸. «روش کاغـذ و قلـم»[6] : در این روش از شـهروندان و کاربران فضاهای شـهری خواسـته می شـود تا برحسب علایـق، شـرایط و خواسـتهای خویـش و بصورتی کاملا اختیـاری، در مـورد انتخابهایی که در مقابل انها اسـت، تصمیـم بگیرنـد (Sanoff, 1968). ایـن شـیوه در واقـع نوعـی «بـازی نیمـه تصویری»[7] اسـت که بـرای مقاصد طراحـی محیـط شـهری بـر اسـاس نـوع و چگونگـی رفتارهـای شـهری و الگوهـای کاربسـت فضای شـهری بوسـیله شـهروندان، مورد اسـتفاده دارد و نمی توان در دیگـر مـوارد از آن اسـتفاده کرد.

۹. «شـیوه شـبیه سـازی»: ایـن روش بـر اسـاس ایده طرح هـای اجتماعـی یـا ادراکات مشـترک فرهنگـی، دربـاره نحـوه کنارهـم قرارگیـری افـراد و اشـیاء بنـا شـد کـه نخسـتین بـار بوسـیله کوتـه (Kuethe,1962) در دانشـگاه جانـز هاپکینـز کاربسـت یافـت. همچنین از ایـن شـیوه در بررسـی فضاهـا و قلمروهای شـخصی اسـتفاده می شـود که بوسـیله آلتمن (Altman,1975) مـورد کاربرد یافـت. در این روش، نمادها و شـمایلهایی بـه افـراد مـورد مطالعه داده می شـود و از آنها خواسـته مـی شـود تـا دربـاره فاصله میـان آنهـا قضـاوت کنند.

1.Labroatoring Method
2.Real Distance
3.Real Place Behavior
4.Personal Space

۵. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به:
Horowitz, M.J. (1968) Spatial Behavior and Psychopathology, the Journal of Nervous and Mental Disease, pp. 24_35.
6. Paper and Pencil Technique

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

ایـن شـیوه بـر اسـاس نـوع و ابـزار کار، بـه انواع شـیوه جایگزینـی آزاد، روش بازسـازی و روش طرح هـای خطـی و روش اشـکال انتزاعـی، تقسـیم می شـود.

۱۰.«روش بازسازی جایگزینی»:[1] در این روش کارتهای عکـس داری را کـه از پیش چیده شـده اند، برای مدتی کوتـاه در اختیـار آزمایش شـونده قـرار می دهند و پس از بهـم ریختـن ترتیـب اشـکال، از آنهـا خواسـته مـی شـود تـا دوبـاره آنها را سـرجای خود قـرار دهند.

۱۱. «روش طرحهـای خطـی»:[2] در ایـن روش نیـز از طرح هـای خطـی تاریـک، شـمایلها و آدمهـا در حـالات گوناگـون (لـم داده، نشسـته متمایـل بـه جلـو)، مجسـمه ها و عروسـکها بـرای نمایـش محیـط پیرامـون اسـتفاده می شـود. ایـن روش بزعـم کوتـه (1963,Kuethe) مـی توانـد در شناسـایی ادراکات مشـترک فرهنگی، بر اسـاس ایده طرح هـای اجتماعی مـورد کاربـرد قـرار گیـرد.

۱۲. «روش اشـکال انتزاعـی»: در ایـن روش اشـکال انتزاعـی[3] (مثـل دایـره و مثلـث) را کـه نشـان دهنـده انسـان ها بشـمار مـی روند، به افـراد مـورد مطالعه می دهنـد و از ایشـان مـی خواهنـد تـا آنهـا را بـه صـورت خطـی، در داخـل یـا خـارج محـدوده هایـی مشـخص بچینند.

شـیوه های غیرمداخله گـر[4] در ارزیابـی قرارگاه رفتاری

شـیوه های غیرمداخله گـر نیـز بـه روشـهایی اطـلاق مـی شـود کـه افـراد مـورد مطالعـه در نواحی شـهری، نسـبت به انجـام تحقیق آگاهـی ندارند (لنـگ، ۱۳۷۸، ص ۶۱). ایـن شـیوه در بررسـی چگونگـی اسـتفاده وضـع موجـود محیط شـهری و میـزان تمایل مـردم به رفتارهـای خاص، و یا عدم سـازگاری الگوهـای رفتاری و محیـط کالبـدی، کاربـرد دارنـد. در واقع مـی توان به ایـن نکتـه اشـاره کـرد کـه در شـیوه غیرمداخلـه گـر، شـهروندان نسـبت به انجـام تحقیق بـر روی رفتارهای شـهروندی آگاهـی ندارنـد و امـکان ظاهرسـازی و عدم درسـتی رفتارهـای شـهروندان در محیـط شـهری کاهـش می یابـد. ایـن روشـها بر اسـاس اصـل محوری عـدم آگاهی شـهروندان شـکل مـی گیرند و بر حسـب مـورد بررسـی، زمان و نـوع رویکرد و یا اهـداف تحقیق گونه هـای مختلفـی را بخـود می گیرنـد. از انجـا کـه طراحـان شـهری و معمـاران، در سـیر مطالعـه رفتارها و الگوهـای فرهنـگ شـهری برحسـب نـوع و هـدف تحقیـق از رویکردهـای ذهنـی، برای مطالعـه و تحلیل رفتارهـا و فرهنـگ شهرنشـینی حاکـم، بهره مـی برند (بحرینـی، ۱۳۷۸، ص ۱۰) و بـا توجـه بـه پیچیدگـی رفتارهـا و فرهنـگ حاکـم بـر انسـان شـهری، ضروری بنظـر مـی رسـد کـه مطالعـه فرهنـگ شـهری حاکـم بـر فضاهـای شـهری کـه الگوهـای رفتـاری شـهری را بوجـود مـی آورد، مـورد توجه قـرار گیرد. بـا این وجود تنهـا در دو دهـه اخیـر اسـت کـه ایـن امـر در مطالعه الگوهـای رفتاری شـهری بوسـیله اندیشـمندانی مانند کریسـتوفر الکسـاندر (1964,Alexannder)، مایکلسـون (1975,Michelson)، تیـل (1961,1964,Thiel)، اپـل یـارد (1964,Appleyard)، وان در رایـــن (Van der 1965,ryne) و وایـت (1980,Whyte)، مـورد ارزیابـی و بررسـی قـرار گرفته اسـت.

۱. «روش آزمایشـهای طبیعـی»:[5] در ایـن روش بـرای بررسـی رفتارهـای شـهروندی از اصـل «واکنشـهای رفتـاری»[6] اسـتفاده مـی شـود، بدانگونـه کـه مشـاهده گـر برخـی از عناصـر محیـط شـهری را دسـتکاری می کنـد (Patterson, 1974) تـا نـوع و چگونگـی واکنـش رفتـاری شـهروندان را در مقابـل آن تغییـر، ارزیابـی و بررسـی کنـد. شـهروندان مـورد بررسـی در این روش

1. Alternative Replacing
2. Liner Design
2. Subjective Forms
4. Unobtrusive Method
5. Natural Experiments
6. Reaction of Behavior

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

بطـور تصادفـی انتخـاب می شـوند (لنـگ، ۱۳۷۸، ص ۶۱) و برحسـب هـدف تحقیـق مـی توانـد در فضاهای شـهری متفـاوت بـا رویکردهـای موضوعـی، موضعی و عـام مـورد کاوش قـرار داد.

۲.«روش مشـاهده همـراه با مشـارکت»:[1] در این روش، مشـاهده گر بخشـی از نظـام مـورد مطالعـه مـی شـود و اسـاس آن را نحـوه و میـزان مشـارکت مشـاهده گـر مطالعـات شـهری، در محیـط مـورد بررسـی تشـکیل می دهـد (1967,Gans). انچـه در ایـن میـان اهمیـت فزاینـده ای دارد، توجـه بـه این امر اسـت که مشـاهده گـر نبایـد خـود را از سـاختار مـورد مطالعه[2] جـدا کند یـا رفتـاری را بروز دهد که شـهروندان مـورد مطالعه را از وجـود خویـش، بعنـوان یک مشـاهده گـر رفتارهای شـهری آگاه گرداند.

۳.«روش مشـاهده ردهـــــای فیزیکـی»:[3] ایـن روش متداول تریـن روش در میـان معماران و خاصه، طراحان شـهری در بررسـی رفتارهـای شـهروندان و مطالعـه الگوهـای رفتـاری نشـات گرفته از فرهنگ شهرنشـینی حاکـم، از جانب ایشـان اسـت. در واقع در ایـن روش از ثبـت ردهـای فیزیکـی در بخشـهایی از محیط شـهری اسـتفاده می شـود که در اثر اسـتفاده فرسـوده شـده یا چیزهایـی به آن اضافه شـده اسـت (لنـگ، ۱۳۷۸، ص ۶۱)؛ بعنـوان مثـال می تـوان از مسـیرهای ایجاد شـده بـر روی چمنهـا یـا عناصـری که بـه سـاختمانها اضافه شـده انـد و یا تغییراتـی که در محلهایی خاص از شـهر در محیـط کالبـدی صـورت گرفتـه اسـت، بـه نیازهای مـردم و الگوهـای رفتـاری و فرهنگ حاکـم بر فضاهای خـاص شـهری و حتـی پاسـخگویی محیـط شـهری به فرهنـگ و الگوهـای رفتـاری سـالم شـهروندی، پی برد (1975,Cooper).

۴.«روش میدانی/طبیعـت گرایانـه»: ایـن شـیوه نـوع غیرمداخله گـر در ارزیابـی و بررسـی فضاهای شـخصی بشـمار مـی رود کـه بوسـیله آلتمـن (1975.Altman) مـورد اسـتفاده قـرار گرفـت. در ایـن روش فضاهـای شـخصی افـراد در محیطهـای طبیعـی[4] و بـا انـدک مداخلـه آزمایشـگر مطالعـات فرهنگـی انـدازه گرفتـه مـی شـود (آلتمـن، ۱۳۸۲، ص ۶۶). آلتمـن، این روش را دارای کاربـرد فراگیـری در عرصـه هـای فضاهـای عمومـی شـهری مانند خیابـان، میـدان و دیگـر اماکن طبیعـی مـی دانـد کـه مـی توانـد در سـنجش ایـن مفاهیـم و عرصه هـای خصوصـی[5] و اجتماع پذیـری شـهروندان در کشـور ما نیـز مورد اسـتفاده یابد، چراکه بـا حداقـل میـزان مداخله مشـاهده گر همراه می شـود و از ضریـب معناپذیـری و کارآمـدی بالایی در درسـتی نتایـج، برخـوردار می شـود.

۵.«روش مشـاهده سـاده»:[6] این روش به ثبت سازمان یافته رفتارهـای شـهروندان، بـدون دسـتکاری در محیـط و هرگونـه مداخلـه در سـاختار شـهر می پـردازد (Lang, 1987). در ایـن روش بـر خـلاف روش آزمایشـهای طبیعـی، از هـر گونه اقدام مداخلاتی در محیط شـهری پرهیـز می کنـد و تنهـا بـه ثبـت مطالعاتـی الگوهـای حاکـم رفتاری شـهروندان و مکانیسـمهای تعاملی بین انسـان و محیـط مـی پـردازد. از همیـن رویکـرد مـی تـوان بعنـوان سـاده ترین روش در اجـرا، برای بررسـی مکانیسـمهای رفتـاری و فرهنـگ شـهری حاکـم بـر سـاختار شـهری بهـره گرفـت. روش مشـاهده سـاده را پـر کاربـرد تریـن روش در مطالعـه رفتارهـای منبعـث از فرهنـگ شـهری مـی دانند کـه در ادامه بـه انواع آن اشـاره می شـود.

۶.«روش دوربیـن متحـرک/ دیـد عابـر سـواره»: دانالـد اپلیـارد را پایـه گـذار مطالعـات بصـری - رفتـاری می داننـد کـه بـا همـکاری کویـن لینـچ و جـان مایـر، نخسـتین تحقیـق بصـری را در مقیـاس شـهری انجام داد کـه در سـال ۱۹۶۱ تحت عنوان دیـد از جاده (The View From The Road) منتشـر شـد. در ایـن مطالعه بـر جنبه هـای ادراکی و بصری محیـط، بالاخص از دید

1. Participant Observation
2. Case Study
3. Phisical Traces
4. Natural Environment
5. Privacy Space
6. Simple Observation

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

عابـر سـواره تاکید شـد و جنبه هـای رفتاری اسـتفاده کننـدگان از فضـا مـورد توجـه قـرار نگرفـت. در ایـن روش دوربیـن فیلمبرداری متحرک مورد اسـتفاده قرار گرفـت کـه از دیـد عابـر سـواره بهره مـی برد.

۷.«روش شـهروند ثابـت/ فضـا متغیـر»: ایـن روش مطالعـه، بـه جنبه هـای رفتاری اسـتفاده کننـدگان از فضـا معطـوف بـود و دهسـال بعـد از اپل یارد بـه انجام رسـید (بحرینـی، ۱۳۷۸، ص ۱۳). مبـدع ایـن روش را «ویلیـام مایکلسـون» (1975,Michelson) می دانند که هدفش، بررسـی و شـناخت الگوهـای رفتـاری افراد در دوره هـای زمانـی مختلـف (روزانه، هفتگـی و ماهیانه) بود.

۸. «روش شـهروند متغیـر/ فضا ثابـت»: در این تحقیق کـه جامع تریـن و نخسـتین تحقیـق ایرانـی در حـوزه مطالعـات فرهنگـی و رفتاری شـهری بشـمار مـی رود، بوسـیله دکتـر حسـین بحرینـی بـه انجـام رسـید کـه الگوهـای رفتـاری شـهروندان در میـزان و چگونگـی بکارگیـری فضاهای شـهری را در میـدان انقلاب، چهار راه ولـی عصر، چهار راه جمهوری، میـدان مخبر الدوله، میدان شـوش، میـدان گمرک و میدان امـام (توپخانه)، مـورد بررسـی قـرار داده اسـت. تفـاوت ایـن روش بـا روش مایکلسـون کـه اسـتفاده کننده از فضـا ثابت ولی فضـا متغیـر اسـت، در ایـن رویکـرد فضـا ثابـت ولـی اسـتفاده کننـدگان فضـا متغیر می شـوند.

۹. «روش لابراتوار / شـبیه سـازی»: [1] این روش در سال ۱۹۶۶ بوسـیله وینکل (Winkel) و ساسانف (Sasanoff) در دانشـگاه واشـینگتن آمریـکا انجام گرفـت که امکان مطالعـه یک فضـای واقعی را بصورت لابراتـوار از طریق شـبیه سـازی فراهـم می کـرد. هـدف ایـن مطالعـه، روشـی جهت پیش بینـی رفتار اسـتفاده کنندگان آتی فضاهـای مـورد نظر بـود تا امـکان انطبـاق طراحی این فضاهـا بـا نیازهـای واقعـی اسـتفاده کننـدگان، فراهم شـود (بحرینـی، ۱۳۷۸، ص ۱۵). در ایـن روش،از دو طریق نسـبت بـه انجـام مطالعه اقـدام گردید:

۱۰.«روش اول: تعقیب بازدید کنندگان»:[2] در این روش از طریـق مشـاهده و ثبت حـرکات بازدیدکنندگان، و با اسـتفاده از پـلان گالریهـای موزه و یک سـاعت صورت می گرفـت و مسـیر حرکـت بازدیدکننـدگان بـا مـداد، بصـورت خطـی ممتـد بـر روی پـلان مـوزه منعکـس می شـد. پـس از اتمـام هـر بازدید نیـز، مصاحبـه ای از بازدیدکننـدگان بعمـل مـی آمـد و نحـوه و چگونگـی الگوهـای رفتـاری ایشـان در مـوزه ثبـت مـی شـد. در ایـن روش نمونه گیـری بصـورت تصادفـی و بـر اسـاس هـر چنـد دقیقـه یـک نفـر انجام می شـد.

۱۱. «روش دوم: شـبیه سـازی»:[3] پـس از ثبت وضعیت واقعی حرکتها یک مدل سـاختگی تشـکیل می شـد تا امـکان مقایسـه نتایج فراهم شـود. نحوه انجـام مطالعه بـه این ترتیب بـود که اسـلایدهایی از فضاهای مختلف مـوزه بخصـوص فضاهـای مـورد توجـه بازدیدکنندگان تهیـه می شـد و بوسـیله سـه پروژکتـور از اطاقکـی که بـرای ایـن کار در نظـر گرفتـه شـده بـود بـر روی سـه پـرده نمایش داده می شـد.

۱۲. «روش زندگـی اجتماعـی در فضاهـای کوچـک شـهری»: «ویلیـام وایـت»[4] در سـال ۱۹۸۰ تحقیقـی تحـت عنـوان زندگـی اجتماعـی در فضاهـای کوچـک شـهری (The Social Life of Small Urban Space) انجـام داد کـه نخسـتین تحقیـق بنیادین در شـناخت رفتارهـای مـردم عـادی در خیابـان و نظـم و روال حاکـم بـر رفتارهـا و نحـوه آداب و اخـلاق شـهروندان در بکارگیـری فضاهـای شـهری بشـمار مـی رود. وایت در ایـن تحقیـق نشـان داد که کـدام فضاهـای در برابر رفتارهـای انسـان شـهری پاسـخگو مـی شـوند و کدام فضاهـای شـهری در ایـن بـاره پاسـخگو نمـی باشـند. همچنیـن بایـد بـه تحقیقات بنتلـی و همـکاران نیز در ایجاد محیط های پاسـخگو در سـاختار شـهری اشـاره کرد.

۱۳. «روش بررسـی الگوهـای رفتاری شـهروندان»: این روش بوسـیله «کانسـتانزا کانیگلیاریسـپولی» در پروژه

1. Simulation/ Laboratory Method
2. Traking Method
3. Simulation Method
4. William Whyte

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

ای بـرای میـدان Piazzale Tecchio در شـهر ناپـل بـه انجـام رسـید که معطـوف به بررسـی الگوهـای رفتاری اسـتفاده کنندگان فضـا مـی شـد و از آن بـرای تجدید نظـر در طـرح میـدان اسـتفاده گردیـد. این بررسـی با وجـود ایـده هـای جالـب توجـه، بدلیـل محدودیتهـا و فرضیـات فراوانی کـه در آن وجـود دارد، ارزش و اعتبار چندانـی نیافته اسـت.

۱۴. «روشـهای ابـزاری/ تکنیکـی»:[1] عـلاوه بـر ایـن بر حسـب نـوع ابـزار و تکنولـوژی مطالعاتی نیـز، می توان مراتبـی را بـر چگونگـی مطالعه فرهنگ شهرنشـینی و الگوهـای رفتـاری حاکـم در نظـر گرفت که مـی توانند در روشـهای فوق و خاصه در روش مشـاهده ساده مورد اسـتفاده قـرار گیرنـد. این روشـها از مولفه هـای ابزاری ویـژه ای در بررسـی رفتارهـای شـهروندان بهـره مـی گیرنـد کـه تنهـا هنگامـی کاربرد مـی یابد کـه امکان بررسـی از طریـق دیگر شـیوه ها، ممکن نباشـد و یا بر اسـاس شـرایط زمانـی و مکانی ویـا اقتضـای فرهنگی و اجتماعـی، مـی بایسـت از آنهـا بهـره بـرده شـود. در هـر صـورت این روشـها می تواننـد بعنـوان مولفه هایی تاثیـر گـذار در کارامـدی و ارتقـا موثر نتایـج بیفزایند.

۱۵. «روش فیلمبـرداری»: در ایـن روش بـر حسـب محـل و منطقـه مـورد بررسـی از لحـاظ ابعـاد مکانـی یـا مـدت زمانـی پژوهـش، از فیلمبـرداری اسـتفاده مـی شـود (Carr, Schissler, 1969) کـه مـی توانـد بـا ضبـط ویدئویـی نیـز همـراه شـود (Helmreich,1974) و (Scheflen,1976). ایـن روش از انجـا کـه کمتریـن مداخله از طرف مشـاهده گر را در محیط شـهری باعث مـی شـود، و جزیـی از مبلمـان فضاهای شـهری تصور می شـود و کمتریـن میـزان آگاهی یا توجه شـهروندان را بخـود جلـب مـی کنـد، مـی توانـد مـوارد اسـتفاده مناسـب تری نسـبت به روشـهای دیگر داشـته باشد. بر ایـن اسـاس می تـوان به نکات قـوت ایـن روش چنین اشـاره کـرد: الـف- کمینه مداخلـه در سـاختار کالبدی شـهری؛ ب- کمینه اسـتفاده مسـتقیم مشـاهده گر در مطالعـه رفتـار شـهروندی؛ پ- ایجـاد کمتریـن توجـه شـهروندان و امـکان بـروز رفتارهای واقعی شـهروندان؛ ت- صرفـه جویـی در زمـان و هزینه مشـاهده گران در رونـد مطالعـه فرهنگـی؛ ث- افزایـش میـزان کارامدی نتایـج و ارتقـا موثـر مطالعه و بررسـی.

۱۶. «روش عکسـبرداری»: در ایـن روش از طریـق عکسـبرداری از نـوع و چگونگـی رفتارهـا و فرهنـگ حاکـم بـر الگوهـای رفتـاری شـهروندان، مـی تـوان به ثبـت و ارزیابـی رفتارهـا و فرهنـگ حاکـم بر شـهر در حوزه شهرنشـینی پرداخـت (Davis, Ayers,1975). این روش را در هنـگام بررسـی حوزه هـای محـدود، مـورد اسـتفاده قـرار می دهنـد و در محیط هایـی بـا ابعـاد کوچـک کاربـرد دارد.

همسـویگی معنـادار طراحی مبلمان شـهری و مدیریت رفتار شهروندی

چنانکـه پیـش از این توضیح داده شـد مهم ترین عامل در خلق فضاهای سـرزنده و مدیریت رفتاری شهروندی، تامیـن شـرایطی اسـت کـه در آن ارتبـاط اجتماعـی، زمان هـای حضـور مـردم و نیـز امکاناتـی بـرای مکث و توقـف تشـویق گردنـد. لذا طراحـی مبلمـان و فضاهای شـهری باید همسـویگی معنـاداری با رفتار شـهروندان و الگوهـای رفتاری آنها داشـته باشـد:

۱.همسـوئی چیدمـان و فواصـل مبلمـان و فعالیـت اجتماعـی: مبلمـان موجود در فضای شـهری بـا انواع و نـوع چیدمانـش، می‌توانـد پیغام‌های اجتماعـی مخابره کنـد. بـا برقـراری امکاناتـی بـرای برقـراری ارتبـاط اجتماعـی و تعامـلات جمعـی مبلمـان در واقع حمایت خـود را از اجتماع شـهری اعلام می‌دارد. بـرا برقراری ار تبـاط اجتماعی انواع مختلفـی از صندلی های متحرک، صندلـی هـای ثابـی کـه دور یک میـز چیده شـده اند، یـا نیمکت هـای ثابتی کـه رو به یکدیگـر جهت گیری کـرده انـد و در نهایـت صندلـی هایـی کـه بـا زاویه‌ای امـا در فاصله اجتماعـی (۱,۳۰-۳,۹ متـر، ۴-۱۲ فوت) نسـبت در کنـار یکدیگـر قـرار گرفته‌اند. انـواع دیگری

1.Techniqual Approach

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

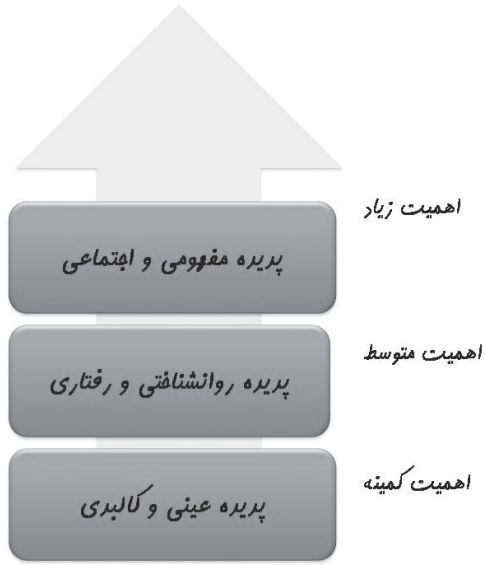
از مبلمـان ماننـد دیوارهـای کوتاه یـا نیمکتهایی که در کنجهـا و با زاویه نسـبت بـه یکدیگر قـرار گرفته‌اند نیز بـه نوبـه خـود بـرای برقـراری تعامـلات مفید هسـتند. همسـوئی مبلمـان و فعالیـت اجتماعـی همه شـمولی) مبلمـان همیـن طـور بـا فراهـم آوردن امکانـات و فرصت‌هـا بـرای گروه‌هایـی کـه اغلـب تحـت پوشـش نیسـتند ماننـد افـراد سـالخورده و یـا اینکـه افـراد کم تـوان، التـزام و تعهـد خـود را نسـبت بـه همـه افـراد جامعـه نشـان می‌دهد.

۲.مبلمان و فعالیت های انتخابی و اجتماعی: شـهرهایی کـه خوب طراحی شـده انـد، مکان های بسـیاری برای نشسـتن عرضـه می کنند کـه در نقاط درسـت و به جا واقـع شـده‌اند. نیمکتهـا و فضاهـای نشسـتن نقـش بسـیار مهمی در میـزان اسـتفاده و موفقیت یک فضای شـهری دارنـد. بـه گونـه‌ای کـه در مطالعـات انجـام شـده توسـط ویلیـام وایت با تکنیـک «عکسـبرداری با فواصـل منظـم»، مهمترین تاثیر را میـزان وجود فضای نشسـتن بـه صـورت عـام و میـزان وجـود نیمکـت هـا و صندلـی هـای آن فضـا تشـکیل مـی دهـد. چنانچـه یـک فضـا دارای سـطوح قابـل نشسـتن زیـادی باشـد و یـا تعـداد نیمکـت و صندلـی زیـادی برخوردار باشـد بـه معنـای ایـن اسـت کـه ایـن مکان بـه مـردم خوش آمـد مـی گویـد و فضـای بسـیار زیـاد و انتخـاب هـای متنوعـی را در اختیـار مـی گذارد.جـداول اسـتفاده از فضاهـا در طـول زمـان در پژوهشـات وایـت نشـان داد کـه پلازاهـای معـروف به‌طـور چشـمگیری فضاهـای نشسـتن بیشـتری نسـبت بـه آنهایـی که کمتـر مورد اسـتفاده قـرار می‌گیرنـد دارنـد. او سـعی کـرد کـه بـه متغیرهایـی ماننـد پشـتی صندلی، دسـته‌های صندلی بـرای تکیه و راحتـی فیزیکی وزن‌دهی نمایـد. وایت به ایـن نتیجـه رسـید کـه «صرف نظـر از هر متغیـری که اندازه‌گیـری کردیـم، مـردم جاهائی تمایل به نشسـتن دارنـد کـه مکان نشسـتن وجـود داشـته باشـد.» وایت معتقـد بـود کـه این اطلاعـات تنهـا یافته هایی بسـیار حیـرت انگیـز نیسـتند، بلکـه حقایقی حیاتی هسـتند کـه در ارائـه راهنمـای طراحی بـرای فضاهـای عمومی بسـیار بـا اهمیـت هسـتند (وایـت، ۱۹۸۰، ص ۴۰) برایانـت پـارک از موفـق تریـن فضاهـای شـهری در نیویورک اسـت کـه در آن هزاران صندلـی قابل تحرک وجـود دارد. بسـیاری از مـردم در هنـگام صـرف ناهـار و گـپ هـای دوسـتانه بـه ایـن مـکان می آینـد وحتی بسـیاری از مـردم بـا لـپ تـاپ هایشـان بـرای انجـام کارهایشـاان بـه آن جـا مـی آینـد. عامـل وجـود مکان نشسـتن از بسـیاری عوامـل ماننـد شـکل یـک فضـا، مسـاحت و بزرگـی آن، میـزان آفتابگیری فضـا. بر روی حضـور پذیـری فضـا پیشـی می گیـرد. هرقـدر هم که فضایـی دارای جـداره هـای جـذاب باشـد و مباحـث معمارانـه بـا جلوه گری به نمایش خود مشـغول باشـن و هرچنـد آبنمـای بسـیار زیبایـی در یـک فضـا باشـد، بـاز بـه انـدازه وجـود مکانهای نشسـتن مختلـف و زیاد نمـی تواند درجـذب مردم موفق باشـد (وایـت، ۱۹۸۰، ص ۴۵).

نتیجه گیری و جمع بندی

شـکل گیـری قـراگاه هـای رفتـاری در یـک فضـا مـی توانـد در زمینـه برهمنشـانی فعالیـت بر یک مـکان در یـک دوره زمانـی خـاص اثربخـش باشـد کـه در دوره هـای زمانـی طولانی ماهیـت طراحی فضاهـا را نیز باید باخـود همـراه کند تا شـکلگیری محیط هایی پاسـخده و مطلـوب بـرای شـهروندان خاصـه حـوزه بازطراحـی مبلمـان و فضاهـای شـهری فراهـم گـردد. از سـویی دیگـر، هـدف اصلـی برنامه ریـزان شـهری و طراحان از طراحـی، سـاخت و ارائه مبلمان شـهری انطبـاق آنها با الگوهـای رفتـاری و نیازهـا و خواسـت های شـهروندان و خصوصیـات «آنتروپومتـری مربـوط بـه مهندسـی انسان سـنجی» اسـت؛ لذا در چند دسـته کلی تقسـیم بنـدی میشـود کـه در کل اجـزای مبلمـان شـهری، دو ویژگـی اساسـی دارنـد: «کاربـردی بـودن و زیبایـی»، کـه در صـورت داشـتن هـر دو ویژگـی، می‌تواننـد نیاز عملکـردی و بصـری شـهروندان را همزمـان بـرآورده سـازند. البتـه ایـن امـر، مسـتلزم در نظـر گرفتـن مقوله‌های متعـددی در طراحی اجزای مبلمان شـهری اسـت کـه نه تنهـا رنگ، هماهنگـی با محیـط پیرامون،

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



نمودار ۱۲. سلسله مراتب ارزشی میزان اهمیت بکارگیری روشهای ارزیابی رفتار و قرارگاه های رفتاری در بازطراحی فضا و مبلمان؛ ماخذ: ترسیم نگارنده بر اساس مطالعات پژوهش.

دوام، ایمنـی و اقتصـادی بـودن آنهـا مـورد نظر اسـت، بلکـه بایـد از نظـر عملکـردی، جانمایـی مناسـبی در سـطح شـهر داشـته باشـند تا بتواننـد پاسـخگوی نیاز شـهروندان باشند.

در بازطراحـی مبلمـان و فضاهـای شـهری عناصـر متعـددی در شـهر جـای گرفتهانـد که جزئـی از مکان هسـتند و چنانچـه بـا یکدیگـر هماهنگـی و انسـجام داشـته باشـند، مضامیـن و مفاهیـم مشـترکی را بیـان می‌کننـد. در کل مـی تـوان اهـداف کلـی زیـر را در باز طراحـی و ارائـه طراحـی مبلمـان شـهری در انطباق با نیاز شـهروندان که باید از روشـهای ارزیابی شـهروندی (روشـهای مداخله گـر یا غیرمداخله گر اسـتفاده شـود) انتظـار داشـت: «۱. ارتقـاء کیفیـت خدمـات عمومـی شـهری و ایجـاد سـرزندگی در شـهروندان در چارچوب مدیریت منظر شـهری»: با نوسـازی و بهسـازی مبلمان شـهری و طراحـی اصولـی آن به گونه ای کـه همگام با نیازهـای مـادی و روانی شـهروندان باشـد میتـوان به نحـو چشـمگیری شـاهد پیشـرفت و تکاپـو در فعالیت هـای اجتماعـی بـود.در صـورت ارائـه درسـت خدمات شـهری از جانـب ارگانهـا میتوان رونـد اسـتفاده از این خدمات را سـرعت بخشـید و به طبع آن شـاهد سرعت گرفتـن فعالیـت هـای جانبـی از طـرف شـهروندان و تـلاش مضاعـف ایشـان در جهـت زندگـی شـهروندی بـود. «۲. ایجـاد میـل و انگیـزه در شـهروندان در جهت بهسـازی محیط شـهری»: با زیباسازی سـطح شهر که وابسـتگی بسـیار زیـادی بـر طراحـی مبلمان شـهری دارد می توانـد روحیـه حفـظ و نگهـداری از محیـط شـهری را در شـهروندان افزایـش داده و اهمیـت فضای شـهری را در نـگاه مخاطبانش بالا ببرد که این مسـئله بـه کوششـی غیر مسـتقیم در نگهـداری و زیبا سـازی شـهری در اذهـان عمومـی جامعـه دامـن میزنـد. «۳. هویت بخشـی بـه فضاهای مختلف شـهری»: در صورت رعایـت ایـن اصـل شـهروندان مـی تواننـد با مشـاهده یـک مـکان خـاص از آن بـه عنـوان مکانـی متمایـز از سـایر مکانهـا یـاد کننـد در صورتی که مبلمان شـهری ارائـه شـده در هـر محله و شـهر گویای هویـت تاریخی و فرهنگـی آن محلـه یـا شـهر باشـد مـی تـوان بـه نوعـی شـخصیت دهی فرهنگـی در سـطح کلان دامـن بزنـد. از دیـدگاه طراحـان، انتخـاب و طراحـی مناسـب مبلمـان شـهری، حفظ هویـت مکان و نمود بیشـتر آن را ممکـن می سـازد. ایـن برخـورد در احیـای مناطـق تاریخـی و سـنتی بسـیار موثـر اسـت. اگـر دخالـت در شـهر بـه تزیینات سـطحی محـدود نشـود، بایـد میان بافـت اجتماعـی و فضای شـهر توازنـی ایجاد کـرد. آن گاه کـه بافـت اجتماعـی مکانی تثبیت شـده و در میان سـاکنانش مفهوم شهرنشـینی، ریشـه ای عمیـق دواند، می تـوان بـه سـاختارهایی مکمـل در سـیما و منظـر آن پرداخـت و شـرایط را بـرای حفـظ محیـط و رفـاه اهالـی مهیـا کـرد. «۴. رعایـت اصـل پیـاده گسـتری»: بـه معنـای گسـترش فضای پیاده در سـطح شـهرها به جهـت ارتقـاء سـطح کیفـی زندگـی شـهری و ایجـاد میـل بـه پیـاده روی در شـهروندان بـا گسـترش ایـن مقوله در سـطح شـهرها میتوانیم شـاهد برقراری رابطه عمیقتری بین شـهروندان و محیط شـهری باشـیم. «۵. ایجاد یکپارچگی در سـطح شـهر در عین تنوع فرم»: با

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

طراحـی و نصـب مبلمانهای شـهری یکپارچه با چندین کارکـرد مختلـف می تـوان ضمن ایجـاد یکپارچگی در اجـزای شـهر موجبـات کاهـش مصـرف مـواد و کاهش هزینـه هـای سـاخت و کاهـش ابعـاد را فراهـم آورد. از طرفـی بـا یکپارچه سـازی مبلمـان شـهری می توان از تکثیـر جزئیـات اضافی بسـیاری در خیابانها کاسـت. نکتـه ظریـف در ایـن میـان وجـه تمایـز سیسـتم های یکپارچـه بـا سیسـتم های چندمنظـوره اسـت؛ در یک سیسـتم چندمنظـوره، محصـول از ابتـدا بـه ایـن قصد طراحـی مـی شـود و احتمـال دگرگونـی در سـیما و پیکـره آن زیـاد اسـت، امـا در مبلمـان یکپارچـه لزوماً چنیـن هدفـی دنبـال نمی شـود بلکـه اجـزاء و عناصر مـورد نظـر در صورت تطابق و حفظ پیوسـتگی ظاهری بـا عنصـر ثابتی یکپارچه می شـوند. مبلمان شـهری بر طبـق یـک سـری قواعـد و معیار ها بـه وجـود می آید. اصـول و قواعدی کـه محصول قرن ها تجربـه بوده و در طراحـی رعایـت می شـده اسـت:

۱. «خوانایـی»: یکـی از مهمتریـن خصوصیاتـی کـه تابلوهـا یا علامت باید داشـته باشـد، خوانایـی در زمینه و محیـط شـهری اسـت. در ایـن زمینـه لینـچ در ادامه مطالعـه ای که بـرای معرفـی عناصر پنج گانه سیسـتم خوانایـی شـهر انجـام داده بـه تعریـف رابطـه بـا علائم شـهری پرداخته اسـت. خلاصه دیـدگاه او درباره علائم و مبلمـان شـهری بـا عناصـر خوانایـی شـهری بـه این شـرح اسـت کـه؛ کیفیتهـای مثبـت و منفـی شـهر که در پنـج عنصـر (گـره، راه، نشـانه، لبـه و محلـه) بیـان شـده اند و تعامـلات پیچیده میـان آنها بـرای ارزیابی و تعییـن جنبه هـای مثبـت فـرم بـه کار مـی روند.

۲. «متمایـز بـودن»: بـرای اینکـه علامتـی بتوانـد در محیـط شـهری شناسـایی شـود، مـی بایسـت بـه نوعـی از زمینـه و سـایر علائـم اطـراف متمایـز گـردد. برجسـته کردن علائـم از محیـط شـلوغ و مغشـوش و اغلـب گیج کننـده، راه حـل متمایز بودن محسـوب می شـود. راه حـل دیگر، خلق طـرح و شـکلی متمایز برای آن علامـت اسـت. یکـی از ابزارهـای دیگر، رنگ اسـت؛ چراکـه رنـگ بـه سـادگی قابل شناسـایی اسـت.

۳. «تقویـت چهـره و هویـت»: یافتـن چهـره و هویتـی خـاص بـرای شـهری از طریـق علائـم و مبلمـان، کار پیچیـده اسـت. تاریـخ شـهر، بافـت موجـود شـهری و چشـم انـداز و نقـش آینـده شـهر همگـی می بایسـت مـورد توجـه قـرار گیـرد.

۴. «هماهنگـی»: ضوابـط کنترل کننـده و اسـتانداردها از ابزارهـای ایجـاد هماهنگـی میـان تابلوها بـا یکدیگر و بـا محیـط شـهری اسـت. ایـن اسـتانداردها و قواعـد لزومـا چنیـن نیسـت کـه خلاقیـت طراحـان را محدود سـازد؛ بجـز تابلوهـای راهنمایـی و رانندگـی کـه از اسـتانداردهای بیـن المللـی پیروی می کنند، در سـایر زمینه هـا می تـوان راه حلهـای مبتکرانـه و هماهنگ با محیـط بـرای انتخاب شـکل، رنـگ، ابعـاد و نورپردازی بسـته بـه شـرایط و محـل بـه کار برده شـود.

۵. «اصـل محصـور کـردن فضـا»: اگـر فضـا بـه شـکل مطلوبـی محصـور نشـود نمی تـوان بـه یـک فضـای شـهری مطلـوب دسـت یافـت. نسـبت ارتفـاع بـه بدنه فضـای محصـور اگـر یـک بـه دو باشـد در ایـن حالـت لبـه بالایـی بدنـه تقریبا بر محـدوده بالایی میـدان دید منطبـق اسـت و آسـتانه محصـور شـدن در فضاسـت. اصـل مقیـاس و تناسـب (مقیـاس انسـانی): اگـر اندازه یـک فضـا بـا پیکر انسـان ارتباط مطلوب داشـته باشـد گفتـه می شـود کـه فضـا مقیـاس انسـانی دارد.

۶. «اصـل فضاهـای متبایـن»: فضاهایـی هسـتند که از نظـر خصوصیـات عـرض و طـول و ارتفـاع از طرفـی و عناصـر و اجزاء محصور کننـده از طرف دیگر با یکدیگر تفـاوت دارنـد. ارزش فضاهـای متبایـن این اسـت که از یکنواختـی فضاهـای ارتباط دهنـده می کاهد.

۷. «طراحـی بدنه هـای فضـای شـهری»: دیـواره هـا و جدارهـای محصـور کننـده یـک فضـا بایـد دارای خصوصیاتـی باشـد تـا بتـوان بـه یـک فضـای مطلـوب دسـت پیـدا کـرد. دارای نظم باشـد؛ بین نماهـا و اجزاء یـک نمـا از لحـاظ کمیـت؛ سـازگاری و توافـق وجـود داشـته باشـد. دارای وحدت و ترکیب باشـد؛ ترکیب بر پیونـد و ترتیـب اجـزاء و عناصر اسـتوار اسـت و وحدت نمـا حاصـل یگانگـی و تقویـت محـور مرکـزی اسـت.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

مولفه	شاخص	زیرشاخص		چگونگی تاثیر بر رفتار	نمونه	
عملکرد	کاربری و فعالیت	نوع فعالیت		جذب جمعیت و ایجاد ازدحام؛ تغییر حالت از عبور به مکث و توقف و خرید یا تفریح یا خوردن؛ گاهی به عنوان مانع در مسیر افرادی که عجله دارند عمل می-کند و باعث تغییر جهت افراد می شود؛ میزان تناسب فعالیت ها در میزان استفاده افراد موثر است	وجود اغذیه فروشی در یک راسته تجاری- تفریحی	صرفاً و صرفاً روشهای ارزیابی غیرمداخله-گر
		زمان انجام فعالیت (فعالیت های شبانه روزانه یا فصلی)			حرکت دسته های عزاداری در ایام خاص منجر به توقف و تماشا می شود؛ فعالیت های شبانه منجر به سرزندگی و حضور بیشتر مردم در فضا می شود	
		مکان فعالیت (در فضای بسته یا باز)			وجود فعالیتهایی همچون دستفروشی، بازارهای سرباز و هفتگی، تاترهای خیابانی منجر به کشاندن مردم و تغییر الگوهای رفتاری در آن محدوده می شود	
		تناسب فعالیت ها			وجود اغذیه فروشی در یک راسته تجاری و تفریحی؛ وجود کتاب فروشی یا خرده فروشی در راسته صنعتی و کارگاهی	
	دسترسی	نقش مسیر و راه		نقش مسیر از نظر جابجایی یا اجتماعی طیف مختلفی از رفتارها از جمله راه رفتن سریع تا توقف و مکث را منجر می شود	در خیابان عبوری مردم صرفا برای رسیدن به مقصد راه می روند یا منتظر وسیله می مانند اما در خیابان پیاده رفتارهایی همچون مکث توقف تماشا و بازی خرید و... مشاهده می شود	روشهای ارزیابی غیرمداخله-گر با تاکید بیشتر
		عرض مسیر		تناسب عرض با تراکم افراد و الگوهای رفتاری	در مسیر سواره با عرض زیاد حس حرکت و سرعت را القا می-کند و مسیر سواره تنگ ناخود آگاه با کاهش سرعت همراه استبنابراین رفتارهایی همچون سوار و پیاده شدن، دید زدن و تماشا کردن و توقف به قصد کاری انتخابی بیشتر مشاهده می شود در پیاده رو تنگ مردم بیشتر تمایل به حرکت دارند و در یک مسیر با عرض زیاد الگوهای رفتاری بیشتری مشاهده می شوددر مسیر تنگ با حرکت دشوار مردم احساس ناامنی می کنند و بنابراین مدام لوازم و اطراف خود را کنترل می کنند	
		سلسله مراتب		وجود سلسله مراتب دسترسی میزانی از آسودگی و راحتی و امنیت به فرد می دهد تا آزادانه بتواند به فعالیت های انتخابی و اجتماعی بپردازد؛ همچنین به خوانایی فضا نیز کمک می کند	در ورودی محلات و سر کوچه ها، پاتوق هایی برای گپ زدن وجود دارند؛ در کوی های مسکونی فضایی برای بازی بچه ها	همه روشهای ارزیابی
		نفوذپذیری		میزان نفوذپذیری بصری و کالبدی با میزان استفاده فضا رابطه مستقیم دارد	با افزایش نفوذپذیری بصری و کالبدی میزان استفاده از فضا افزایش و میزان جرم خیزی کاهش می یابد	
	تجهیزات		روشنایی	جلوگیری از رفتارهای ناهنجار؛ ایجاد مکث و توقف	وجود روشنایی در فضا منجر به ایجاد نظارت اجتماعی و افزایش امنیت محیط می شود در نتیجه جرم خیزی محیط کاهش می یابد	روشهای ارزیابی مداخله گر و غیرمداخله گر
			مبلمان	جلوگیری از رفتارهای ناهنجار؛ (شکلگیری قرارگاه رفتاری امن)؛ ترویج رفتاهای مناسب و اجتماعی؛ ایجاد مکث و توقف؛ بالا رفتن حق انتخاب و میزان استفاده از فضا	وجود تجهیزات متناسب با نیاز و تراکم استفاده در فضا در میزان استفاده از فضا نقش دارد؛	

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

فرم	کالبد	بدنه	نما، رنگ، قدمت	وجود ویژگی هایی همچون انسجام و پیوستگی؛ وحدت؛ تنوع؛ شفافیت بدنه و کف؛ هماهنگی و هارمونی در بدنه باعث خوانایی بیشتر می شود و میزان بیشتر استفاده از فضا ایجاد مکث و توقف و تبدیل از عبور و مرور به فعالیت هایی همچون خرید، تفریح و...	اندازه و فرم ورودی و جنس و نما و رنگ مبلمان شهری در میزان کشش مردم به خود نقش دارد (زمینه بروز قرارگاه امن)؛ رنگ فضا عاملی در خوانایی، سرزندگی و در نتیجه ترویج هنجارهای اجتماعی و شکل گیری قرارگاه های رفتاری؛	روشهای ارزیابی مداخله گر با تاکید بیشتر
		کف	فرم	وجود ویژگی هایی همچون یکپارچگی؛ حفظ تداوم حرکت پیاده؛ انعطاف؛ ایمنی؛ پرهیز از اختلاف سطح باعث خوانایی بیشتر می شود و میزان بیشتر استفاده از فضا ایجاد مکث و توقف و تبدیل از عبور و مرور به فعالیت هایی همچون خرید	وجود کفپوش هموار و متناسب با شرایط اقلیمی، وجود ریتم در حرکت و نقش کفپوش می تواند هدایت کننده رفتار باشد؛	
	ساختار		فرم؛ کلیت فضایی؛ پر و خالی	وجود ویژگی هایی همچون ادراک به صورت یک کل واحد؛ محصوریت؛ توالی فضایی؛ انعطاف پذیری فضا، مقیاس انسانی؛ داشتن سکانس بندی فضایی؛ تنوع فضایی؛ صلب و نرم؛ مسقف و آزاد باعث خوانایی بیشتر و میزان بیشتر استفاده از فضا می شود؛ ایجاد مکث و توقف و تبدیل از عبور و مرور به فعالیت هایی همچون خرید و تفریح	یک مسیر خطی بیشتر حس حرکت را القا می کند، اما در فضایی مربع شکل یا دایره ای الگوهایی رفتاری ناشی از مکث و توقف شاهد هستیم	
	منظر شهری		نشانه ها، پوشش گیاهی، کریدورهای دید، ابتدا و انتها	ویژگی هایی همچون توالی بصری؛ قابلیت ایجاد دیدهای پی در پی ایجاد پرسپکتیو و خوانایی باعث میزان بیشتر استفاده از فضا و سهولت استفاده می شود؛ ایجاد مکث و توقف و تبدیل از عبور و مرور به فعالیت هایی همچون خرید، و تفریح؛	وجود نشانه ها در فضا و بهره گیری از منظر مناسب مکان را تبدیل به قرارگاه رفتاری می کند. مثلا فضای بین چند بلوک ساختمانی اگر به درستی محوطه آرایی شود و دارای خوانایی و دید مناسب به عناصر شاخص باشد مردم ترجیح می دهند مدتی مکث کنند، نگاه کنند، کتاب بخوانند، گپی بزنند و بازی بچه ها را تماشا کنند؛ در غیر اینصورت صرفاً فضایی مشترک بین بلوکها باقی می ماند و یا صرفاً فضایی برای عبور و دسترسی خواهد بود؛	

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

	معنا	ویژگی¬هایی همچون خاطره انگیزی؛ داشتن حس مکان؛ شخصیت و هویت بارز؛ نظارت اجتماعی و امنیت از طریق رعایت موارد فوق حاصل می شود و بر میزان استفاده از فضا و تراکم الگوهای رفتاری، ایجاد حس تعلق و افزایش مشارکت مردمی نیز موثر است؛	مکانی برای انسان با حس تعلق همراه است، رفتارهای ناهنجار کمتری در آن مشاهده می شود؛ در یک مکان خاطره انگیز مردم تماشا می کنند، به خاطر می آورند و از حضور در فضا لذت می برند؛	
زیست محیطی	شرایط اقلیمی	وجود پوشش گیاهی، مصالح متناسب بااقلیم، سایبانها و تمام نکاتی که برای آسایش اقلیمی مدنظر است، عاری بودن فضا از انواع آلودگی های صوتی، بصری و هوا فضا را مکانی خودمانی و پاسخگو می کند و در نتیجه میزان مکث و استفاده از فضا بیشتر می شود؛	وجود زباله در فضا یا حیوانات موذی شهری مانند موش، گربه یا حشرات مردم را از فضا دور می¬کند و رفتار ناهنجار ریختن زباله را تشویق می¬کند؛	
	آلودگی های محیطی			

ترکیب و ارتباط روزنه ها؛ برای دستیابی به آرامش بصری در نما؛ روزنه ها باید به صورتی باشد که چشم به راحتی و آسانی از یک عنصر در نما به عنصر دیگر حرکت کند.

۸. «نحوه نورپردازی»: از دیگر مواردی که در مبلمان شهری می توان مورد بحث و بررسی قرار داد، نحوه نورپردازی و روشنایی شهرها، مراکز و خیابان های شهری است. طبق اصول مبلمان شهری، در مراکزی که افراد به میزان امنیت بیشتری نسبت به دیگر مراکز احتیاج دارند، مانند: ایستگاه های اتوبوس و پارک‌ها، مراکز خرید و دیگر مراکز عمومی باید از تعداد بیشتری از چراغ‌های روشنایی در خیابان و مکان‌های فوق استفاده شود. طراحی این چراغ‌ها در سطح شهر به فن‌آوری طراحی این نوع چراغ‌ها، وسعت خیابان و حتی به مراکزی که این چراغ‌ها در آن نصب می‌شوند، بستگی دارد. اگر چه این تمهیدات در شب بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند اما از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیبایی چراغ های روشنایی در سطح شهر می تواند در طول روز جلوه زیبایی به شهر بدهد.

۹. مولفه شاخص زیرشاخص چگونگی تاثیر بر رفتار نمونه

منابع و ماخذ

۱. ارباب جلفایی، آرش (۱۳۷۹) مبانی فلسفی و روانشناختی ادراک فضا، مجموعه مقالات گردآوری و ترجمه شده، تهران، نشر خاک.

۲. ایرانمنش، نسیم (۱۳۸۳) فضای شهری؛ هنر انتزاعی و درک عمومی، ماهنامه شهرداریها، ۱۳۸۳، شماره ۵۹.

۳. ایروانی، محمد و خداپناهی (۱۳۷۱) روانشناسی احساس و ادراک، تهران، انتشارات مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها.

۴. آلتمن، ایروین (۱۳۸۲) محیط و رفتار اجتماعی، ترجمه علی نمازیان، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

شهید بهشتی، تهران.
۵. بحرینی، حسین و طبیبیان، منوچهر (۱۳۷۷) مدل ارزیابی کیفیت محیط زیست شهری، مجله محیط شناسی، دوره ۲۴، شماره ۲۱.
۶. بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.
۷. بحرینی، سید حسین و گلناز تاج بخش (۱۳۸۷) مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن، هنرهای زیبا، تهران، شماره ۶.
۸. بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ.
۹. بحرینی، سید حسین (۱۳۷۸) تحلیل فضاهای شهری،در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده کنندگان و ضوابطی برای طراحی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۰. بل، سایمون (۱۳۸۲) منظر: الگو، ادراک و فرایند، ترجمه بهناز امین زاده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. بل، سایمون (۱۳۸۷) عناصر طراحی بصری در منظر: ترجمه محمد رضا مثنوی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۱۲. بناب، محی الدین (۱۳۷۹) روانشناسی احساس و ادراک، تهران، انتشارات دانا.
۱۳. بنتلی، ای. ین و دیگران (۱۳۸۷) محیط های پاسخده: کتاب راهنمای طراحان، ترجمه مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۱۴. بهرامی، محمد (۱۳۸۲) مجسمه های شهری و میادین تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه هنر.
۱۵. بهزادفر، مصطفی و پیام محمودی کردستانی (۱۳۸۸) هنجارهای کیفی طراحی فضای شهری مردم مدار (آزادی مدار)؛ آرمانشهر، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
۱۶. بیژن زاد، محمدرضا (۱۳۶۹) بررسی فضای سبز تهران، تهران، بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.
۱۷. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۰) اصول و ضوابط طراحی فضای شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری.
۱۸. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهیدی.
۱۹. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶) مقالاتی در باب طراحی شهری، کتاب اول و دوم، تهران، انتشارات شهیدی.
۲۰. پامیر، سای (۱۳۸۹) آفرینش مرکز شهری سرزنده، مترجمین مصطفی بهزادفر و امیر شکیبامنش، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲۱. پور اصغریان، مهتاب (۱۳۸۷) مجسمه سازی در فضاهای شهری، فصلنامه نگره، شماره ۷ و ۸
۲۲. پورمند، حسنعلی و موسیوند، محسن (۱۳۹۰) مجسمه سازی در فضاهای شهری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۴
۲۳. توسلی محمود و ناصر بنیادی، (۱۳۸۶) طراحی فضای شهری- فضای شهری و جایگاه ان در زندگی و سیمای شهری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۲۴. تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۳) شهرسازی شهروندگرا، ترجمه محمد احمدی نژاد، اصفهان، نشر خاک.
۲۵. جمشید، حکمتی (۱۳۷۵) طراحی باغ و پارک، فرهنگ جامع، چاپ چهارم، تهران، دانشگاه تهران.
۲۶. جیکوبز، جین (۱۳۸۷) مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا، مترجم پارسی، حمیدرضا، افلاطونی، آرزو، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۷. حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹) جامعه مدنی و حیات شهری، مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۷.
۲۸. حسینیون، سولماز (۱۳۸۲) ساماندهی تابلوها و علائم شهری، ماهنامه شهرداریها، شماره ۵۵.
۲۹. حسینیون، سولماز (۱۳۸۳) مقدمه ای بر طراحی پیاده راه ها، شماره ۶۱، ماهنامه شهرداریها، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور.
۳۰. حسینی، اعظم (۱۳۹۰) طراحی فضای شهری رفتارگرا با تاکید بر رفتارشناسی زائرین در شهر

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

مشـهد نمونـه مـوردی: خیابـان امـام رضـا، پایان نامـه کارشناسـی ارشـد معمـاری دانشـکده هنـر دانشـگاه تربیـت مدرس، به راهنمایی جهانشـاه پاکزاد و مشـاوره علـی اکبـر تقوایی.
۳۱. رحیمی، علی (۱۳۸۲) بررسـی سـیر تحول مبلمان (اثاثـه توقـف و اسـتراحت) در فضاهـای شـهری ایران، پایـان نامـه کارشناسـی ارشـد، بـه راهنمایـی بمانیان، محمدرضـا، دانشـگاه تربیـت مـدرس، دانشـکده هنـر، رشـته پژوهـش هنر.
۳۲. رفیعیـان، مجتبـی و سـیفایی، مهسـا (۱۳۸۴) فضاهـای عمومـی شـهری، بازنگـری و ارزیابـی کیفـی، نشـریه هنرهـای زیبـا، شـماره ۲۳.
۳۳. رهنورد، زهرا (۱۳۸۷) نمایشـگاهی دائمی، نشـریه تندیـس: پاییز ۱۳۸۷
۳۴. زاهـدی مازندرانـی، محمد جـواد (۱۳۷۶) فرهنگ علوم اجتماعـی، تهران،انتشـارات مازیار.
۳۵. زراعـت دوسـت، مهتـاب (۱۳۷۹) طراحـی یـک مرکـز محلـه با توجـه به تاثیر معمـاری بر رفتـار، پایان نامه کارشناسـی ارشـد، دانشگاه شهید بهشـتی، تهران.
۳۶. سـازمان زیباسـازی شـهرداری تهـران (۱۳۸۰) روشـهای پاکسـازی نمـای شـهری، طـرح پژوهشـی ۱۳۸۰ .
۳۷. سـاوج، مایک و آلن، وارد (۱۳۸۰) جامعه شناسـی شـهری، ترجمـه ابوالقاسـم پوررضـا، سـازمان مطالعه و تدوین کتـب علوم انسـانی دانشـگاهها، تهران.
۳۸. سـعید نیا، احمـد (۱۳۷۶) طراحی فضاها و مبلمان شـهری، سـازمان شـهرداری های کشـور، تهـران، جلد پنجم و ششـم.
۳۹. سـلطانزاده، حسـین (۱۳۷۲) فضـای ورودی در معمـاری سـنتی ایـران، تهـران، دفتـر پژوهـش هـای فرهنگـی.
۴۰. گل، یـان (۱۳۸۷) زندگـی در فضـای میـان سـاختمانها، مترجـم شـیما شـصتی، تهـران، سـازمان انتشـارات جهـاد دانشـگاهی، ۱۳۸۷.
۴۱. گلـکار، کوروش (۱۳۸۶) مفهوم کیفیت سـرزندگی در طراحـی شـهری، فصلنامـه صفـه، شـماره ۴۴، ص ۷۵-۶۶، سـال شانزدهم.
۴۲. گلـکار، کـوروش (۱۳۷۹) مولفـه هـای سـازنده کیفیـت طراحـی شـهری، فصلنامـه صفه، شـماره ۳۲، سـال نهم.
۴۳. مرتضایـی، سـید رضـا (۱۳۸۱) رهیافـت هایـی در طراحـی مبلمـان شـهری، تهـران، سـازمان شـهرداری های کشـور.
۴۴. مرتضـوی، شـهرناز (۱۳۶۷) روانشناسـی محیـط، تهـران، انتشـارات دانشـگاه شـهید بهشـتی.
۴۵. هدمـن، ریچـارد و آندرو یازوسـکی (۱۳۷۰) مبانی طراحـی شـهری، ترجمـه: راضیـه رضـازاده و مصطفـی عبـاس زادگان، تهـران، انتشـارات علم و صنعـت ایران.
46. Altman, l & Chemers,M 1975 :Culture andEnvironment,MontreyCA, Books,Cole.
47. Altman, l: 1975 ”The Environment and Social. Behavior”,Montrey,CA, Books,Cole.
48. Barker, R. G, 1968 “Ecological psychology: Concepts and methods for studying the environment of human behavior”. Stanford, Ca.: Stanford University Press.
49. Carmona, Matthew & Tim Health & Taner Oc & Steve Tiesdell ;2003“PublicPlaces , Urban Spaces:The Dimensions of Urban Design”.
50. Gibson, James J: 1966“The Senses Considered as Perceptual Systems”, Boston: Hughton Mifflin.
51. Gifford, Robert; Sacilotto, Paul A.1987”social isolation and personal spaces Canadian Journal of Behavioural ScienceVol 25.
52. Hass-Klau, C. Crampton, G,1999” Streets as Living Space”, Landor, London.
53. Heeshberger R Bechtel B, Churchman A.2002” Behaviour Based Architectural Psychology in Handbook of Environmental Psycology”, New York, John Willey&Sons,INC.
54. Lang, Jon 2005“Urban Design: A Typology of Procedures and Products.
55. Lang,Jon:Urban Design1994:The American Experience,Van Nostrand Reinhold.
56. Main, Bill & Greet Hannah, Gail, Site Furnishing a complete Guide to planning, Selection and use of landscape Furniture and Amenities, Hoboken, New jersey, New York john wiley & sons,2010.
57. Maughtin,Cliff &Taner Oc&Steven Tiesdell, 1995”Urban Design”,Butterworth.
58. Project for Public Spaces, Urban Parks: The Value

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

of Small Urban Parks, Plazas and Other Outdoor Spaces, Texas Cooparative Extension, 2005.
59. Rapaport,Amos, 1997 "Human Aspected of Urban Form",Pergamon Press.
60. Steele.FRITZE 1981 "The Sense of Place" CBI Pub. Co
61. Tolman .E. C, 1932 "Cognitive maps in rats and men.it Psychological Review.
62. Whyte, William, The Design of Spaces, project for public spaces,New York, 1985.
63. Whyte, William, The Social Life of Small Urban Spaces, project for public spaces,New York, 1981.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]